

**مژده به مخاطبان خبرگزاری بین المللی افق**

پس از این آخرین خبرهای افغانستان، منطقه و جهان را بدون نیاز به اینترنت، فقط در بدل ۴ افغانی در تلفن‌های همراه تان دریافت کنید. برای عضویت، ۲۰ را به ۳۰۰۰ ارسال نمایید. در پایان هر سه ماه، به مشترکین گرامی به قید قرعه جوایز نفیسی اهدا خواهد شد.

شماره تماس: ۰۷۴۴۰۹۰۰۰۰ [www.ufuqnews.com](http://www.ufuqnews.com)



**امنیت ملی: یکی از عاملان فراری رویداد پغمان بازداشت شد**

**لباس کهنه‌ی شما، رویای فقیران**

**نسخه‌ی جدید مذاکرات برای افغانستان**

**هوش مصنوعی و آینده‌ی ترسناک بشر**

**لوکاس سیلوا: پوشیدن پیراهن ریال آرزویم است**

**روسیه: گزارش تازه‌ی ناتو در مورد افغانستان واقعی نیست**

صفحه ۲

**حمله‌ی تروریستی در پشاور و واکنش‌های دولت پاکستان**

صفحه ۳

حمله‌ی تروریستی که به روز سه‌شنبه هفته‌ی قبل از سوی طالبان پاکستان بر یک مدرسه‌ی نظامی در شهر پشاور پاکستان انجام شد و ۱۳۲ دانش‌آموز و کارمند آن مکتب کشته و ۱۲۵ نفر دیگر زخمی شدند، واکنش گسترده‌ی را در بین مقام‌های نظامی و سیاسی، مردم و رسانه‌های پاکستانی برانگیخت و همه‌ی آن‌ها عاملان این حادثه را دشمن خواندند و این عمل را نکوهش کردند. راحل شریف، رئیس ستاد ارتش پاکستان به افغانستان آمد و با رئیس‌جمهور و فرمانده نیروهای زمینی افغانستان دیدار و گفت‌وگو نمود. او در این دیدار از رهبری دولت افغانستان خواست که افغانستان و پاکستان علیه تروریست‌ها مبارزه‌ی مشترک نمایند. رئیس‌جمهور محمد اشرف غنی ضمن هم‌دردی با مردم پاکستان، در یک نشست خبری مشترک با این مقام نظامی پاکستانی گفت، کسانی که هر روز در افغانستان حملات تروریستی انجام می‌دهند و تأسیسات فرهنگی و مدنی افغانستان را هدف قرار می‌دهند...

**میلیون‌های جدید افغانستان**

صفحه ۴

سرچشمه‌ی سرمایه‌ی شادمان نیز به پول بخش نظامی ایالات متحده می‌رسد. او که پسر یک معلم ادبیات از قندهار است، پس از وقت مکتب در بازار قندهار شیرینی‌های تهیه‌شده از بادام می‌فروخت. زمانی که ایالات متحده طالبان را از کشور بیرون راند، او برای کار پیش یک معمار محلی رفت که میدان هوایی قندهار را بازسازی می‌کرد. به‌زودی، ترجمان یک واحد نیروهای ویژه‌ی امریکایی شد که در مدت شش ماه بیش‌تر از ۵۰ عملیات نظامی انجام می‌داد. همراهی با سربازان امریکایی شادمان را برای هفته‌ها از خانه دور نگه می‌داشت؛ اما سبب می‌شد که بیش‌تر معاش ماهانه‌اش را ذخیره کند. او یک موتر نوع لند رور (Land Rover) را به قیمت ۴۰۰۰۰ دلار امریکایی خرید و آن را پس به نیروهای ویژه‌ی امریکایی به اجاره داد. او می‌گوید: «پس از آن من دو معاش می‌گرفتم. ۸۰۰۰ دلار خودم معاش می‌گرفتم و ۸۰۰۰ دلار از اجاره‌ی موتر می‌گرفتم.» در مدت دو سال، او صدها وسیله‌ی نقلیه خرید و آن‌ها را...





شنبه
۲۹ قوس
۱۳۹۳
سال سوم
شماره ۷۳۶



## یادداشت روز

# هدف از سفر راحل شریف به کابل چه بود؟

کابل شهریار

راحل شریف، رییس ستاد مشترک ارتش پاکستان به‌دنبال حمله‌ی مرگبار طالبان پاکستانی در شهر پشاور، به کابل آمد و با رییس‌جمهور غنی و دیگر مقام‌های حکومت افغانستان دیدار کرد. دفتر رسانه‌های رییس‌جمهور غنی هدف از سفر هیأت پاکستانی را گفت‌وگو برای تحکیم و گسترش همکاری‌های سیاسی و امنیتی در مبارزه‌ی مشترک با تروریسم و طالبان اعلان کرده؛ اما برخی رسانه‌های پاکستانی ادعا کرده بودند که راحل شریف به منظور گفت‌وگو با مقام‌های دولت افغانستان برای تحویل‌دهی ملا فضل‌الله، رهبر تحریک طالبان پاکستانی به کابل آمده است.

هنوز از جزئیات دقیق این سفر عجولانه و کوتاه مقام‌های نظامی پاکستان به کابل چیزی در دست نیست.

مسئولیت حمله‌ی مرگبار اخیر بر مدرسه‌ای در شهر پشاور پاکستان که منجر به مرگ ۱۴۰ دانش‌آموز گردید را تحریک طالبان پاکستان به عهده گرفت. این گروه در ساعاتی پس از این رویداد اعلان کرد که به‌خاطر انتقام از عملیات نظامی ارتش پاکستان در وزیرستان جنوبی این حمله را انجام داده است. دولت پاکستان ادعا دارد که ملا فضل‌الله، رهبر تحریک طالبان پاکستانی در افغانستان حضور دارد؛ اما دولت افغانستان بارها این ادعا را رد کرده است.

سال گذشته پس از این‌که حکیم‌الله محسود، رهبر تحریک طالبان پاکستانی در حملات هواییمای بی‌سرنشین امریکایی کشته شد، طالبان پاکستانی مولانا فضل‌الله را به عنوان رهبر جدیدشان انتخاب کردند. او در آن زمان ضمن این‌که یک فرمانده بی‌رحم و جنایت‌کار در دره‌ی سوات در شمال‌غرب پاکستان بود، با طالبان افغانی در مناطق شرق افغانستان نیز ارتباط نزدیک داشت. رسانه‌های پاکستانی و غربی در آن زمان می‌گفتند که او در ولایت‌های شرقی افغانستان چون نورستان و کنر و پاکستان در رفت و آمد است و صدها جنگ‌جوی طالبان پاکستانی را در ولایت‌های شرقی افغانستان اداره می‌کند. مولانا فضل‌الله در بیش‌تر حملات مسلحانه و عملیات‌های انتحاری در ولایت‌های شرقی افغانستان دست داشت و نیروهای امنیتی افغانستان بارها برای دستگیری وی تلاش بی‌ثمر کرده‌اند. پس از انتخاب مولانا فضل‌الله به رهبری تحریک طالبان پاکستانی، حملات طالبان پاکستانی و افغانی در ولایت‌های شرقی و جنوبی افغانستان بیش‌تر شد.

هیچ اطلاع دقیقی در دست نیست که واقعا ملا فضل‌الله در خاک افغانستان است یا پاکستان؛ اما دو فرضیه‌ی قوی وجود دارد که وی در خاک افغانستان نباشد. نخست این‌که به‌خاطر کینه‌ی شدید وی نسبت به افغانستان و دست داشتن وی در ناامنی‌های افغانستان، نیروهای امنیتی افغانستان به‌دنبال وی اند و از این‌رو این احتمال بسیار ضعیف به نظر می‌رسد که ملا فضل‌الله در افغانستان باشد. دوم این‌که مناطق قبیله‌ای در پاکستان و وجود گروه‌های افراط‌گرا و تروریستی در این کشور، جای امن‌تری برای رهبران طالبان پاکستان، خصوصا مولانا فضل‌الله است. تمام هسته‌ها و مراکز تصمیم‌گیری طالبان افغانستانی و پاکستانی در پاکستان قرار دارند و کانال‌های تأمینات اقتصادی و تسلیحاتی این گروه‌ها در این کشور اند. از این‌رو، از خارج از پاکستان نمی‌توانند این هسته‌ها و شبکه‌ها را رهبری و مدیریت کنند. افزون برآن، هم‌اکنون اکثر رهبران طالبان افغانستان در کوئته و دیگر شهرها و مناطق پاکستان قرار دارند. پیداشدن اسامه بن لادن در ایب‌آباد اسلام‌آباد، از مصداق‌های روشن این ادعا می‌باشد.

بنابراین، پاکستان با عنوان کردن تقاضای ملا فضل‌الله از افغانستان، می‌خواهد افکار عمومی در این کشور را به‌جای دیگری مصروف کند و از بروز بحران‌های احتمالی داخلی جلوگیری نماید. شهروندان پاکستانی به‌خوبی می‌دانند که افراط‌گرایی و تروریسم معلول سیاست‌های سیاست‌مداران و نظامیان خودشان می‌باشد و آتشی که امروزه آن‌ها در آن می‌سوزند، از سوی خودشان روشن شده است. بدین لحاظ، در شرایط کنونی امکان بروز نارضایاتی‌ها از سیاست‌های این کشور زیاد است و نظامیان و استراتژیست‌های پاکستانی می‌خواهند به هر طریقی که شده ذهن شهروندان‌شان را به‌جای دیگری مصروف کنند و از بروز بحران‌های داخلی جلوگیری کنند.

**اطلاعات روز:** دولت روسیه با انتقاد شدید از ارائه‌ی گزارش ناتو در مورد وضعیت امنیتی کشور اعلام کرده است که این گزارش واقعی نیست. مقام‌های حکومتی این کشور می‌گویند که طالبان و القاعده هنوز در افغانستان فعالیت گسترده دارند و حضور آنان تهدید جدی برای افغانستان و کشورهای منطقه است.

خبرگزاری تاس روسیه گزارش داده است که ینس اشوتولنبرگ، سرمنشی ناتو دو هفته پیش گزارشی را در مورد نتایج ۱۳ ساله‌ی حضور نیروهای بین‌المللی در افغانستان به

**اطلاعات روز:** ریاست امنیت ملی اعلام کرد که یکی از عاملان دیگر تجاوز گروهی بر زنان در ولسوالی پغمان با یک همکارش بازداشت شدند. در خبرنامه‌ی ارسالی این ریاست به روزنامه‌ی اطلاعات روز آمده است، این فرد در جریان تحقیقات ابتدایی اعتراف کرده که وظیفه‌ی راندگی گروه تجاوزگران بر زنان در ولسوالی پغمان را برعهده داشته است.

بر اساس این خبرنامه، این متهم از تردد وسایط به گروه تجاوزگران ولسوالی پغمان از طریق تلیفون گزارش ارائه کرده است.

**اطلاعات روز:** برای کمک به فقیران، شماری از نهادهای مدنی کمپاین جمع‌آوری لباس‌های کهنه برای فقیران را زیر نام «لباس کهنه‌ی شما، رویای یک فقیر» از هشت نقطه‌ی مختلف شهر کابل آغاز کردند. این کمپاین دیروز رسماً از مناطق کوته سنگی، دهن باغ، چهارراهی وزیرآباد، حصه‌ی اول خیرخانه، دهم‌زنگ، مکروریان اول و سوم و کارته‌ی نو آغا شد.

در این کمپاین لباس‌های کهنه از خانواده‌ها و لیلامی‌فروشان جمع‌آوری و پس از ترمیم، برای خانواده‌های فقیر و بی‌ضاعت توزیع می‌شوند. مسئولان برگزارکننده‌ی این کمپاین از شهروندان و حکومت خواسته‌اند که در این زمینه با آنان همکاری کنند. قرار است این کمپاین در نقاط مختلف کابل گسترش یابد.

فرید احمد صالح، یک تن از فعالان مدنی دیروز هنگام کمپاین گفت که هرگاه این برنامه در کابل موفقانه اجرا شود، آنان

**اطلاعات روز:** برای مأموریت جدید پولیس اتحادیه‌ی اروپا در کشور ۵۸ میلیون یورو اختصاص داده شده است. شورای اتحادیه‌ی اروپا مأموریت پولیس این اتحادیه در کشور را برای دوسال دیگر تمدید کرده است. پولیس اتحادیه‌ی اروپا با نشر خبرنامه‌ی اعلام کرد، مأموریت جدید بر اصلاحات اداری در وزارت داخله، حرفه‌ای‌سازی پولیس و توسعه‌ی ارتباطات میان پولیس و قضای افغانستان متمرکز خواهد بود.

در این خبرنامه آمده است که اتحادیه‌ی اروپا به همکاری درازمدت با افغانستان و مردم این

**اطلاعات روز:** مسئولان فرماندهی پولیس کابل می‌گویند که جسد یک قاضی زن از ولسوالی بگرامی کابل یافت شده است. فرید احمد فضلی، رییس تحقیقات جنایی این فرماندهی دیروز گفت که مأموران پولیس این جسد را به روز پنج‌شنبه، ۲۷ قوس

سازمان ملل ارائه کرده است. در این گزارش در مورد برنامه‌ی جدید حضور نیروهای ناتو پس از سال ۲۰۱۴ در کشور به سازمان ملل معلومات داده شده است.

با این حال، ویتالی چورکین، نماینده‌ی دایمی روسیه در سازمان ملل به روز پنج‌شنبه هفته‌ی گذشته در نشست شورای امنیت این سازمان گفته است که در گزارش ناتو در مورد وضعیت امنیتی افغانستان، اوضاع این کشور به‌طور واقعی بررسی نشده و طبق آن، نیروهای بین‌المللی برای بهبود وضعیت امنیتی افغانستان مأموریت جدید

در خبرنامه‌ی امنیت ملی آمده است که این متهم فرض‌الله نام دارد و باشنده‌ی قریه‌ی فیض‌الله خواجه مسافر ولسوالی پغمان ولایت کابل است.

هم‌چنان فرض‌الله (متهم) گفته است که بعد از نماز شام روز جمعه در منطقه‌ای موسوم به «دوده‌مست» در مربوطات ولسوالی پغمان عبور یک موتر کرولا‌ی ۲۰۰۰ به رنگ سرخ را که چند زن سرنشین آن بودند، به سرگروه اطلاع داده است. به گفته‌ی او، بعد از توقف این موتر، سرگروه همراه افرادش بر زنان تجاوز گروهی کردند.

## لباس کهنه‌ی شما، رویای فقیران

سلسله‌ی جمع‌آوری لباس برای نیازمندان را به سایر ولایت‌ها نیز توسعه می‌دهند. او افزود که در این کمپاین لباس‌های کهنه‌ی غیرقابل استفاده جمع‌آوری و پس ترمیم، به نیازمندان توزیع خواهند شد.

صالح گفت که در این کمپاین لباس‌هایی که مُدشان تیر شده و خانواده‌ها از آن دیگر استفاده نمی‌کنند، نیز جمع‌آوری می‌شوند. با این حال، شماری از باشندگان کابل با استقبال از این برنامه می‌گویند، شهروندان مطابق توانایی‌های‌شان به فقیران کمک کنند. همزمان با فرارسیدن فصل سرما، خانواده‌های فقیر در کابل و ولایت‌های کشور با مشکلات جدی مواجه شده‌اند.

آنان بر علاوه‌ی لوازم پوشاک، نیازمند مواد سوختی و غذایی نیز هستند. بر اساس آمارهای ارائه شده، هم‌اکنون بیش از ۳۶ درصد شهروندان زیر خط فقر زندگی می‌کنند. در سیزده سال گذشته با وجود میلیون‌ها دالر

کشور متعهد است. بر اساس این خبرنامه، پس از پایان این مأموریت، اتحادیه‌ی اروپا و اعضای کمیسیون اروپا به پشتیبانی خود از حرفه‌ای‌سازی نیروهای پولیس افغان و حاکمیت قانون در این کشور در چارچوب تلاش‌های بین‌المللی خود ادامه می‌دهند.

پولیس اتحادیه‌ی اروپا مأموریت خود را در کشور زیر عنوان آموزش‌دهی به نیروهای پولیس در وزارت‌های داخله، عدلیه و هم‌چنان دادستانی در زمینه‌ی حاکمیت قانون و رعایت حقوق بشر، در سال ۲۰۰۷ آغاز کرد. افغانستان هم‌اکنون حدود ۱۵۰ هزار نیروی پولیس دارد

پیدا کرده‌اند. هنوز انگیزه‌ی قتل این قاضی مشخص نشده، اما شوهرش در پیوند به این قضیه بازداشت شده است.

این قاضی فهیمه نام داشته که از چندی بدین‌سو به عنوان قاضی دادگاه خانوادگی کابل اجرای وظیفه کرده است. رییس

## روسیه:

# گزارش تازه‌ی ناتو در مورد افغانستان واقعی نیست

و مبارزه با مواد مخدر در این کشور نیز معلومات مشخص ارائه نشده است. چورکین از افزایش کشت کوکنار و تولید آن در کشور ابراز نگرانی کرده و می‌گوید که آیساف در این راستا به‌طور قطعی هیچ فعالیتی نداشته است. اما او اطمینان داده که روسیه در راستای مبارزه با مواد مخدر و آموزش نیروهای امنیتی افغان برای مبارزه علیه این پدیده، به همکاری خود ادامه می‌دهد. ناتو تاکنون به این انتقاد روسیه واکنش نشان نداده است. قرار است مأموریت جنگی ناتو در کشور تا ۱۰ روز دیگر پایان یابد.

گرفته‌اند. به گفته‌ی او، این گزارش طوری تنظیم شده که مأموریت ناتو در افغانستان کامل و مشکلات اصلی در این کشور حل شده‌اند؛ در حالی که این با واقعیت‌های منطقه مطابقت ندارد. چورکین می‌گوید که تلفات غیرنظامیان و نیروهای امنیتی افغانستان نسبت به سال گذشته افزایش داشته و این خود نشان‌دهنده‌ی این است که طالبان هنوز یک تهدید جدی می‌باشد. او در ادامه گفته است که در گزارش ناتو در مورد کمک‌هایش در مورد حاکمیت قانون

## امنیت ملی: یکی از عاملان فراری رویداد پغمان بازداشت شد

شد. سپس دادگاه ابتدایی در یک نشست علنی این افراد را به اعدام محکوم کرد؛ اما دادگاه استیناف حکم اعدام پنج تن آنان را تأیید و دو تن دیگر را به ۲۰ سال حبس محکوم نمود. این پنج تن به تاریخ ۱۶ میزان سال روان در کابل اعدام شدند. فرماندهی پولیس کابل در آن زمان گفته بود که سه تن دیگر نیز در این قضیه دخیل اند که یک تن آنان موفق به فرار از کشور شده است. اما این فرماندهی اطمینان داده بود که تلاش‌ها برای بازداشت دو تن دیگر جریان دارند و آنان به‌زودی بازداشت می‌شوند.

به گفته‌ی متهم، بعد از این رویداد، تجاوزگران را توسط یک موتر کرولا‌ی سفید به منازل‌شان انتقال داده و مبلغ ۵ هزار افغانی دریافت کرده است. به تاریخ ۳۱ اسد سال روان گروهی از افراد مسلح با استفاده از یونیفورم پولیس در مسیر راه پغمان موتر حامل شرکت‌کنندگان عروسی را متوقف و بعد چهار زن را به یک باغ انتقال دادند و بر آنان تجاوز کردند.

آنان پول و زیورات این زنان را نیز سرقت کرده بودند. به‌دنبال آن پولیس کابل هفت تن را در ارتباط به این قضیه بازداشت کرد و بررسی پرنده‌های آنان از سوی دادگاه آغاز

## کمک‌های جهانی برای فقرزایی، هنوز فقر و بیکاری در کشور یکی از مشکلات عمده به شمار می‌رود.

کمک‌های جهانی برای فقرزایی، هنوز فقر و بیکاری در کشور یکی از مشکلات عمده به شمار می‌رود. به همین دلیل، شهروندان برای دریافت کار راه مهاجرات را در پیش می‌گیرند که برخی از آنان در مسیر راه‌های کشورهای خارج

## برای مأموریت جدید پولیس اتحادیه‌ی اروپا، ۵۸ میلیون یورو اختصاص داده شده است

و قرار است این نیروها در سال‌های آینده مسئولیت تأمین امنیت را به عهده گیرند. در کنار این، نیروهای ارتش هم با خروج نیروهای بین‌المللی تا پایان این ماه، مسئولیت عملیات‌های ضد‌هراس‌افگنی و جنگ علیه شورشیان را برعهده خواهند گرفت و ده تا دوازده هزار نیروی امریکایی در چارچوب امضای پیمان امنیتی میان کابل و اشنگتن، برای آموزش و مشوره‌دهی به نیروهای امنیتی باقی می‌ماند.

با این حال، مقام‌های وزارت امور داخله از تمدید مأموریت پولیس اتحادیه‌ی اروپا ابراز

و قرار است این نیروها در سال‌های آینده مسئولیت تأمین امنیت را به عهده گیرند. در کنار این، نیروهای ارتش هم با خروج نیروهای بین‌المللی تا پایان این ماه، مسئولیت عملیات‌های ضد‌هراس‌افگنی و جنگ علیه شورشیان را برعهده خواهند گرفت و ده تا دوازده هزار نیروی امریکایی در چارچوب امضای پیمان امنیتی میان کابل و اشنگتن، برای آموزش و مشوره‌دهی به نیروهای امنیتی باقی می‌ماند.

با این حال، مقام‌های وزارت امور داخله از تمدید مأموریت پولیس اتحادیه‌ی اروپا ابراز

## جسد یک قاضی زن از کابل یافت شد

این قاضی پس از خارج شدن از دفتر کارش، به خانه رفته است. اما فضلی گفت که هنوز چگونگی قتل این خانم معلوم نیست، ولی تحقیقات در این زمینه جریان دارد. مسئولان دادگاه کابل تاکنون در مورد این قضیه چیزی نگفته‌اند.

تحقیقات جنایی فرماندهی پولیس کابل گفت که این قاضی حوالی ساعت ۳ بعدازظهر روز چهارشنبه، ۲۶ قوس از دفتر کارش خارج شده و از آن زمان تا یافتن جسدش توسط پولیس، ناپدید بوده است. او می‌گوید که بر اساس تحقیقات ابتدایی،



## توی دهن اتباع خارجه!

دولت ایران یک تاج سر دارد به نام آیت‌الله علی خامنه‌ای! ایشان به‌زعم خود و دم و دستگاهش، ولی فقیه جهان تشیع است. موفقیت‌های وی را در ایران نمی‌توان انکار کرد. خدمات و کارکردهای او برای ایران را، ملت ایران به قضاوت بگیرد و ما فقط همین قدر می‌دانیم که آن‌جا بسیجی است و سپاهی و مردمی که تفنگ ندارند. این بسیجی‌ها و سپاهی‌ها، بنا بر اقوالی، اسپایدرمن‌های شرقی اند که هر هفته هشت روز، نمایش بالا و پایین رفتن از سر و کول شهر و خانه‌های مردم را دارند. لابد می‌پرسید به ما یا به شما چه که آن‌ها چه می‌کنند؟ متأسفانه عرض کنم که هیچ چه! از باب فضولی گفتیم. ببخشید! تا یادم نرفته اجازه دهید که خصوصیت مردم ایران را هم به جرقه بکشانم. مردم ایران مثل همه‌ی انسان‌های دیگر انسان اند؛ اما متأسفانه سانسورهای دولت آن تاج سر اجازه نمی‌دهند که بقیه‌ی ملت‌ها، از خصوصیات ملت ایران باخبر شوند. بناءً شما فعلاً بی‌خیال خصوصیات خوب ملت ایران شوید که قطعاً دارند، ولی به لطف آغا، دیگران نمی‌دانند.

البته این‌طوری هم نیست که ما هیچ یکی از خصوصیات خوب مردم ایران را ندانیم. در این اواخر، اتفاقات کوچک و واکنش‌های عظیم در ایران به وقوع پیوسته که کم از کم نشان از خصوصیات ایرانی جماعت را دارند. یکی از آن اتفاقات‌های کوچک و دو هزار تومانی، تنبیه چهار دانش‌آموز اتباع خارجه (افغانستانی) به‌دست آن معلم ایرانی که بیش‌تر از هر معلم دیگر در دنیا، وارث پیامبر محسوب می‌شود، می‌باشد. گویند که بعد از نشر خبر آن نوع تنبیه دانش‌آموزان (در کتاب اختراعات ایران از این اختراعات باید زیاد ثبت باشد)، وجدان عمومی ایران که از قبل خیلی بیدارتر بود، خیلی بیدارتر شد. نصف بسیجی‌ها در حمایت از کودک (فارغ از این‌که جزو اتباع خارجه است و عدسی هم نمی‌ارزد)، روزانه یک میلیون کودک را سر چهارراهی‌ها تلاشی کردند و این کار تقریباً دو هفته طول کشید! بدش از این چهارراه به چهارراه بعدی مخابره می‌کردند که کودک بعدی! کودک بعدی! رأس ساعت شش شام هر روز، دستمال‌های مخصوص بسیجی‌ها را توی ماشین لباس‌شویی می‌انداختند و به مدت پنج‌دقیقه به عکس امام خیره شده، گریه می‌کردند و با خودشان می‌گفتند که امام عزیز! جانم فدای تو! از من راضی باش! فکر می‌کنید آدمی که وجدان بیدارتر نداشته باشد، چنین ادای مسئولیت در قبال نهادینه کردن ارزش‌های انسانی ولایت فقیه می‌کند؟ والله اگر بکند که تفاوت قیمت یک قرص نان برای ایرانی و اتباع افغانستانی، ۱ بر صد شود، فعلاً که یک بر ده است.

سپاهیان که معمولاً یک سر پای‌لین‌های نفت و گاز ملت ایران را در جیب خود دارند، رفته به شهر، چندین آدم را به زور دستگیر کرده و به آن‌ها دیکته کرده که در حمایت از کودکان اتباع خارجه، شعر بسرایند و بگویند که آن معلم روانی بود و مشکل سلامتی داشت. خدا را شکر حال امام مثل همیشه خوب است و قسم یاد می‌کنیم که خوب است. سپس یکی از سرهنگ‌های مؤمن تلیفون را برداشت و به شیخی که در افغانستان زمین و زمان را خورد، اما تابه‌حال زنده است، زنگ زد و گفت، وجیب‌های اخلاقی و مذهبی شماست که مثل خرس سکوت کنید!

به‌جز چند نفر بیکار، بقیه‌ی ملت ایران یا از این واقعه خبر نشدند، یا اگر خبر شدند، دو وعده ناهار و شام‌شان را به‌یاد آن صحنه‌ی فرورکدن دست در توالی و بدش گذاشتن در دهن، با بی‌میلی تمام غذا خوردند و انزجار خویش را اعلام کردند. امام زمان از آن‌ها راضی باشند، خداوند بزرگ هم تا می‌تواند، برای آن‌ها در بهشت جا باز کند.

و یک بخش کلان از ملت ایران را نزدیک بود فراموش کنیم. این بخش کلان ملت ایران همان تاج سر دولت، مقام معظم رهبری، امام عادل، حضرت‌کم آیت‌الله علی می‌باشد. به تنهایی خویش! ایشان به چند دلیل نسبت به این مسئله واکنش نشان دادند:

۱- خودش را ولی فقیه می‌خواند و دو بخش همکارش، مردم را نیز مجبور می‌کنند که ایشان را ولی فقیه بخوانند.

۲- تاروپود وی عدالت است. این یکی را از بیانیتهای ایشان در قبال انرژی هسته‌ای کشف کردم.

۳- خیلی پیر شده، اگر خاص نبود که در این سن معمولاً عقل آدمی با کهنوت مواجه می‌شود. پس ایشان خاص است کلاً...

اما واکنش ایشان را یگان امام که امام‌تر باشد باید نازل شود تا درست تفسیر بتواند. ایشان در هم‌دردی با اتباع افغانستانی بعد از آن برخورد ایرانی و انسانی آن معلم در پاکدشت ورامین، دستور ساطع نمود که فیس آموزشی اتباع خارجه را افزایش بدهید، به قدری که سه برابر سه سال پیش شود. سپس ایشان دست خویش را دو دقیقه بالا گرفت تا بخش‌های دیگر ملت ایران، بعضی‌ها با رضایت خاطر به آن بوسه‌ی وایرلس ارسال کنند و بعضی‌ها مجبور شوند.

بدش شماری از اتباع خارجه و چند نفر بیکار از اتباع داخله، رفته دم دروازه‌ی کمیساری عالی حقوق بشر، شکایت کرده که دولت ایران در حق ما ظلم کرده است. آن‌ها از می‌خواهد طبق قانون ایران، فیس آموزشی اتباع خارجه باید ده برابر شود.

در اخیر ما این‌جا دولتی داریم که در واکنش به این تبعیض‌ها و برخوردهای نانسانی با افغان‌های مقیم ایران، فقط خبر آن را می‌خوانند و وحدت ملی می‌کنند.

## حمله‌ی تروریستی در پشاور و واکنش‌های دولت پاکستان

بشیر یآوری



مداخله‌ی خویش در افغانستان توجیه بسازد و کشور ما را در جنگ افراط‌گرایی بسوزاند. در واقع با این واکنش خویش می‌خواهد با یک تیر دو نشان را بزند: یکی، به واسطه‌ی آن می‌خواهد افکار عمومی پاکستان را قانع بسازد که دیگر نمی‌خواهد چنین فجایعی در پاکستان تکرار شوند و از جانب دیگر، می‌خواهد زمینه‌ی دخالت‌های نظامی خویش را در افغانستان آماده سازد.

اگر واقعا دولت پاکستان در مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی صادق است و شجاعت جنگ علیه تروریستان را دارد، باید موجودیت پرورشگاه‌های افراط‌گرایی مانند طالبان و شبکه‌ی حقانی و ده‌ها گروه تروریستی دیگر را از خاک خویش برچیند و حمایت نظامی و سیاسی خویش را از طالبان و تفکر طالبانی قطع کند. اگر شجاعت این کار را ندارد و موجودیت طالبان پاکستان را در خاک افغانستان بهانه می‌گیرد، در واقع فرافکنی می‌کند و به وسیله‌ی آن می‌خواهد نکبت سیاست طالب‌پروری و تقویت زمینه‌های افراط‌گرایی و حرکت‌های تروریستی را در خاک خویش کتمان کند و با شعارهای کاذب خویش، خاک فریب را بر خواست مردم می‌باشد.

واکنش قاطع دولت پاکستان در برابر حمله‌ی تروریستی پشاور و اعلام صریح در مبارزه با آن، برعلاوه‌ی آن‌که عنصر فریب و فرافکنی در آن وجود دارد، حداقل این واقعیت را می‌رساند که نسبت به سرنوشت مردم خویش و وقوع چنین وقایع در برابر ملتش نگران می‌باشد و در برابر جان مردم خویش بی‌اعتنا نمی‌باشد و خطر اعمال تروریستی دیگر را جدی می‌گیرد. اما رهبران سیاسی ما در برابر سرنوشت مردم خویش که هر روزی قربانی چنین اعمال تروریستی می‌گردند، با گذشت سیزده سال از سناریوی جنگ طالبان علیه دولت و مردم افغانستان و تبدیل شدن کشور به مرکز جنگ افراط‌گرایی، هنوز به این نتیجه نرسیده‌اند که موضع روشنی را در برابر طالبان و سایر گروه‌های تروریستی که هر روز حمله‌ی انتحاری انجام می‌دهند و بر مراکز دولتی حمله می‌کنند و نیروهای امنیتی کشور را می‌کشند، اعلام کنند و در این رسم زبانه‌گیر مانده‌اند. یکی طالبان را برادر ناراضی می‌خواند و دیگری مخالف سیاسی.

کرده نمی‌توانید، ما آماده‌ایم علیه این گروه‌ها در خاک افغانستان حمله کنیم و آن‌ها را از بین ببریم. دولت پاکستان هم‌چنین گفته است، تمام کسانی را که به اتهام افراط‌گرایی زندانی می‌باشند، اعدام می‌کند. همه‌ی این واکنش‌ها، از سوی مردم پاکستان و رسانه‌های آن کشور به گرمی استقبال شده‌اند.

این‌که پاکستان ادعا کرده است که حمله‌ی تروریستی در پشاور از سوی طالبان پاکستانی که در افغانستان مستقر می‌باشند، انجام شده است و پوسته‌های را با این موضوع و اعلام هشدار برای مقابله علیه تروریستان در خاک افغانستان منتشر کرده است، بیش‌تر بر این هدف صورت گرفته که در نخست افکار عمومی پاکستان را از انتقاد در مورد عملکرد این دولت در زمینه‌ی حمایت از گروه‌های افراطی و ایجاد زمینه‌های رشد بینادگرایی در پاکستان و فرستادن این گروه‌ها به افغانستان منحرف سازد و به نحوی این ذهنیت را به خورد مردم پاکستان بدهد که حمله‌ی تروریستی‌ای که در پشاور انجام شد، منبع و ریشه‌ی آن در افغانستان است و این افغانستان است که باعث شده که گروه‌های تروریستی در پاکستان اعمال تخریبی انجام دهند و مردم پاکستان از سیاست‌های مداخله‌گرایانه‌ی این دولت در امور افغانستان و تبدیل شدن افغانستان به فعالیت‌های تروریستی حمایت کنند.

جا دارد که به‌جای این‌که مردم پاکستان تحت تأثیر این ترفند دولت‌شان قرار بگیرند، از دولت و رهبران خویش بپرسند؛ طالبان پاکستانی که در خاک پاکستان یا بعضی از جاهای افغانستان فعالیت دارند، نتیجه‌ی حمایت از طالبان افغانی و گروه‌های تروریستی در افغانستان نیست؟ آیا ریشه‌ی فاجعه‌ی تروریستی پشاور نتیجه‌ی واقعی حمایت دولت پاکستان از جریان افراطی-مذهبی و طالبان در افغانستان نمی‌باشد؟

واقعیت این است که دولت پاکستان با اتخاذ موضع قاطع در برابر عاملان حمله‌ی تروریستی پشاور، پیش از این‌که به فکر این باشد که در برابر زمینه‌های افراط‌گرایی و اعمال تروریستی مبارزه کند، به فکر استفاده‌ی ابزار از حادثه، برای توجیه سیاست‌ها و برنامه‌های خویش می‌باشد و می‌خواهد برای

حمله‌ی تروریستی که به روز سه‌شنبه هفته‌ی قبل از سوی طالبان پاکستان بر یک مدرسه‌ی نظامی در شهر پشاور پاکستان انجام شد و ۱۳۲ دانش‌آموز و کارمند آن مکتب کشته و ۱۲۵ نفر دیگر زخمی شدند، واکنش گسترده را در بین مقام‌های نظامی و سیاسی، مردم و رسانه‌های پاکستانی برانگیخت و همه‌ی آن‌ها عاملان این حادثه را دشمن خواندند و این عمل را نکوهش کردند. راحل شریف، رییس ستاد ارتش پاکستان به افغانستان آمد و با رییس جمهور و فرمانده نیروهای زمینی افغانستان دیدار و گفت‌وگو نمود. او در این دیدار از رهبری دولت افغانستان خواست که افغانستان و پاکستان علیه تروریستان مبارزه‌ی مشترک نمایند. رییس جمهور محمد اشرف غنی ضمن هم‌دردی با مردم پاکستان، در یک نشست خبری مشترک با این مقام نظامی پاکستانی گفت، کسانی که هر روز در افغانستان حملات تروریستی انجام می‌دهند و تأسیسات فرهنگی و مدنی افغانستان را هدف قرار می‌دهند، با عاملان حمله‌ی تروریستی بر مکتب نظامی در پشاور هویت مشترک دارند و از لحاظ اهداف و عملکرد تفاوت ندارند. رییس جمهور با این اظهارات به نحوی به راحل شریف گفت که طالبان پاکستان که در خاک آن کشور اعمال تروریستی انجام می‌دهند و باعث شده‌اند که دولت پاکستان در پی مقابله با آن‌ها برآیند، با طالبان افغانی که در آن‌سوی مرز افغانستان در مناطق قبایلی پاکستان تربیه و پرورش می‌یابند و سازمان استخباراتی پاکستان و گروه‌های مذهبی پاکستانی از آن حمایت می‌کنند، فرقی ندارند. یعنی رییس جمهور با بیان این نکته، خواسته که به مقام پاکستانی بفهماند که خون قربانیان تروریستی در پشاور از خون صدها قربانی اعمال تروریستی گروه‌های تروریستی تحت حمایت پاکستان رنگین‌تر نیستند.

بعد از برگشتن راحل شریف به کشورش، دولت پاکستان به‌طور زیرکانه پوسته‌هایی را در شبکه‌های اجتماعی پاکستان به نشر رسانده است که در آن گفته شده است، راحل شریف به افغانستان خط سرخ نشان داده است که اگر شما در برابر گروه‌های تروریستی پاکستانی که در افغانستان می‌باشند، اقدام





مهدی زرتشت

# مسکو افغانستان در نگاه

## نسخه‌ی جدید مذاکرات برای افغانستان

آلکسی فینیکو - استاد یار گروه سیاست جهانی  
دانشگاه ام.گ.او - مسکو

منبع: [HTTP://WWW.INOZPRESS.KG](http://www.inozpress.kg)

### بخش نخست

هفته‌ی گذشته ولادیمیر پوتین همراه رییس‌ان جمهوری ازبکستان و هند دیدار داشت که بحث در ارتباط به مشکلات افغانستان، نخستین موضوع این دیدار بود. موضوع تاشکند، روی کاغذ آوردن بدهی ازبکستان بود و موضوع دهمی نو، عقد قرارداد برای تأمین هایدروکاربن روسیه و مشارکت مسکو در نوسازی نیروگاه‌های اتمی هند. با این وجود، پس‌منظر این مذاکرات میان ولادیمیر پوتین و رهبران دو کشور جمهوری ازبکستان و هند را حضور نیروهای امریکایی در افغانستان تشکیل می‌داد. به نظر می‌رسد که جناح روسی در تلاش است تا باب گفت‌وگوهای جدید منطقه‌ای را در ارتباط به مشکل افغانستان بگشاید.

تلاش‌ها برای گشایش باب گفت‌وگوهای جدید در مورد افغانستان، پنج سال قبل از سوی روسیه آغاز شده بود؛ همزمان در شرایطی که در مسکو، با پروژهای امریکایی «اف-پاک» [۱] مخالفت‌های گسترده‌ای وجود داشت: ایجاد یک بلوک سیاسی برای افغانستان و پاکستان تحت ضمانت دوجانبه‌ی ناتو و هند. از سوی روسیه این نگرانی وجود داشت که خروج نظامی امریکا از افغانستان، بی‌ثباتی سیاسی را در افغانستان به همراه خواهد داشت که این بی‌ثباتی می‌تواند کشورهای آسیای مرکزی را تحت تأثیر قرار دهد. پاسخ طرف روسی در این مذاکرات، اشاره به «دوشنبه چهار» بود که به نظم بخشیدن مذاکرات و شرکت در انجمنی میان رؤسای جمهوری روسیه، تاجیکستان، افغانستان و پاکستان مورد بحث قرار می‌گرفت. این انجمن، یک ایده‌ی ابتکار عمل به مدت سه سال است. با این حال، پس از آن که رییس‌جمهور ولادیمیر پوتین مذاکراتی که قرار بود به تاریخ سوم اکتبر ۲۰۱۲ در اسلام‌آباد برگزار شود را لغو کرد، «دوشنبه چهار» نیز حضور خود را ملغی اعلام کرد.

هم‌اکنون، وضعیت رو به تغییر است. مسکو تلاش می‌کند تا دیالوگ میان دو کشور را که دو سال قبل در مقام اپوزیسیون «انجمن دوشنبه» قرار داشتند، از نو مطرح کند. ازبکستان با سر گرفتن مشارکت نظامی با ایالات متحده‌ی امریکا، به تاریخ ۲۸ جون ۲۰۱۲ خروج خود از سازمان پیمان امنیت جمعی [ОДКБ] را اعلام کرد. در چهارم اکتبر ۲۰۱۱ هند به منظور همکاری‌های بیشتر اقتصادی با افغانستان، توافق‌نامه‌ای را امضا کرد که از سوی کاخ سفید یک جزء لازم «اف-پاک» نامیده شد. بر بنیاد اطلاعات غیررسمی، موقف دهمی نو به تاریخ سوم اکتبر ۲۰۱۲ با سفر ولادیمیر پوتین، رییس‌جمهور روسیه به اسلام‌آباد، با شکست مواجه شد (که حد وسط لغو «انجمن دوشنبه» نیز بود). تاشکند و دهمی نو در سری کورس‌های دیپلماتیک به هدف جلوگیری از انجمن آسیای مرکزی، «اف-پاک» را جاگزین کردند.

جزئیات مذاکرات در تاشکند و دهمی نو تا هنوز هم معلوم نیست. با این حال، واقعیت این است که در طول این مذاکرات، مسایل افغانستان مورد بحث قرار داده شدند و این به معنای اهمیت این موضوع است. نیروهای جدید ناتو سر از تاریخ اول جنوری ۲۰۱۵ به کمیت دوازده هزار نفر، در افغانستان باقی می‌مانند. اما این تعداد برای مقاومت جدی در برابر طالبان و دیگر گروه‌های بدنام و تندرو اسلامی نظیر دولت اسلامی عراق و الشام، کافی نیست.

نه تنها در مسکو که در تاشکند و دهمی نو نیز این نگرانی وجود دارد که وضعیت افغانستان همانند وضعیت عراق خواهد شد. برای مقابله با این وضعیت و هرنوع شرایط احتمالی دیگر، نیاز به نیروی سریع واکنشی و عملیات دایمی از طریق رایزنی‌های سیاسی با «دولت وحدت ملی» افغانستان است. ملاقات رییس‌جمهور ولادیمیر پوتین در تاشکند به همراهی دهمی نو، این نکته گوشزد شد که ضرورت بحث در مورد این مشکل، به‌زودی پیش خواهد آمد. در تیوری، سه راه‌حل ممکن برای حل این مشکل وجود دارند.

۱- جنگ امریکا در افغانستان، طولانی‌ترین جنگ نامیده شده است. در سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱ این جنگ به‌صورت رسمی خارج از قلمرو افغانستان نیز کشیده شد. فعالیت گروه‌های تروریستی و طالبان خارج از افغانستان بود و بسیاری از عملیات، در خاک پاکستان سازمان‌دهی می‌شدند. عملیات سنگین نیروهای نظامی امریکا در خاک پاکستان (دره‌ی سوات) که در سال‌های مذکور روی دست گرفته شد، سناریوی جدیدی را تعریف کرد. از آن پس، محدوددهی عملیات نظامی نیروهای امریکایی و ائتلاف تنها به افغانستان خلاصه نمی‌شد، بلکه پاکستان را نیز در برمی‌گرفت. اصطلاح «اف-پاک» (افغانستان-پاکستان) از همان زمان از سوی امریکا به‌کار برده شد. در واقع، اصطلاح اف-پاک به‌صورت مستقیم روی دو محدوددهی عملیات نظامی-افغانستان و پاکستان- اشاره دارد.

# میلیونرهای جدید افغانستان

منبع: BUSINESS WEEK

نویسنده: مجیب مشعل

برگردان: جواد زاولستانی و حمید مهدوی



حامد کرزی، رییس‌جمهور پیشین، هدف انتقاد بود. این طبقه که در اطراف کشور پراکنده‌اند، با نزدیک شدن به ارتش امریکا و پاسخ دادن به نیازهای فوری آن پول‌دار شده‌اند. بسیاری از آن‌ها ترجمان بودند که متوجه خالی‌گاه در سلسله‌ی تدارکات پنتاگون شدند و با بستن قرارداد با ارتش امریکا، از وضع موجود بهره‌برداری کردند. دیگران حقیقتاً کارآفرینانی بودند که با درگیر بودن با هر بخشی از جامعه‌ی پس از طالبان، از پول کمک‌کننده‌ها تغذیه کردند. هنوز می‌توان با سروکار داشتن با ارتش امریکا پول‌دار شد- هرچند این پول اندک است و قراردادهای داخلی برای به‌دست آوردن آن با هم می‌جنگند. ایالات متحده و متحدان ناتوی آن به کمک سالانه‌ی بیش از ۵ میلیارد دلار به نیروهای امنیتی و ۵ تا ۸ میلیارد دلار دیگر برای بازسازی افغانستان، ادامه خواهند داد. اما کمک‌ها اکنون از طریق حکومت مرکزی جریان خواهند یافت. از حالا به بعد، وزارتخانه‌ها در کابل مسئول توزیع پول قراردادهای خواهند بود.

اشرف غنی، رییس‌جمهور جدید وعده داده است که در تدارکات و قراردادهای نظم می‌آورد؛ اما دستیابی به شفافیت مشکل خواهد بود. عمر زاخیلوال، وزیر مالیه‌ی دوران ریاست جمهوری کرزی که در بزرگ‌ترین رسوایی بانکی کشور گیر مانده بود، از جمله‌ی نخستین انتصاب‌های غنی بود. زاخیلوال که هرگونه تخلف را رد می‌کند، اکنون بر تمام دارایی‌های مالی نظارت دارد.

در سال ۲۰۰۹، مطیع، پس از این که از یک زمین شدیداً ماین‌گذاری شده به آرامی عبور می‌کند، سوار بر یک خر به یک اردوگاه نیروهای دریایی می‌رود. او به‌خاطر می‌آورد: «هائین‌هایی که خارج از کنترل بودند». وی که پسر یک معلم مطالعات دینی است، قبلاً کارهای زیاد دیگر، به‌شمول دو بار پیوستن به طالبان، را امتحان کرده بود. او زمانی که به عنوان نماینده‌ی خدمات مشتریان یکی از شرکت‌های مخابراتی کار می‌کرد و ماهانه ۳۰۰۰ دلار به‌دست می‌آورد، متوجه شد که می‌خواهد برای خودش شرکت بسازد. او در یک سمینار آموزشی در مورد ایجاد کسب و کار که توسط مالیزبایی‌ها برگزار شده بود، نشست بود که با خودش فکر کرد، «من می‌خواهم رییس‌خودم باشم». سمینار را ترک کرد و جواز تأسیس یک شرکت ساختمانی را به‌دست آورد. پروفایل و فکت شیت یک شرکت را که مالیزبایی‌ها به او آموخته بودند، نوشت و دو هفته قبل از رمضان، اوراق را در یک زین جا داد و سوار بر خرش، راهی اردوگاه نیروهای دریایی در ناوه شد. وی با انگلیسی ابتدایی‌اش فریاد زده بود: «سلام، آقا! کسی هست که با من حرف بزند؟» آن‌ها خوشحال بودند او را به داخل اجازه بدهند.

نیروهای دریایی بخشی از نیروهایی بودند که توسط اوپاما برای پاسخ به یورش طالبان که تهدیدی به شکست شهرهای وفادار به حکومت کرزی محسوب می‌شدند، به افغانستان فرستاده شده بودند. پس از افزایش نیروهای امریکایی در افغانستان، حضور ارتش امریکا در ناوه، از ۱۰۰ سرباز به ۱۱۰۰ سرباز افزایش یافت، تعدادی که برای حمایت لجستیکی محلی نیاز بود. وقتی نیروهای دریایی به آن‌جا رسیدند، بازار محلی را خالی یافتند، به استثنای پسری که قوطی‌های پیسی می‌فروخت. عبدالمناف، ولسوال سال‌خورده‌ی این ولسوالی یادآوری می‌کند: «این‌جا یک قراردادی هم... ادامه در صفحه ۵»

رهبری ایالات متحده در ماه اکتبر ۲۰۰۱ و به‌دنبال آن عملیات‌های نظامی متحدین، کشور را دگرگون ساختند. با این حال، در اواخر سال ۲۰۱۴، همزمان با این که تعداد نیروهای امریکایی از اوج ۹۸ هزار تن به ۱۰ هزار تن کاهش می‌یابد، این مسئله واضح می‌شود که دلار امریکایی بیش از ارتش، افغانستان را تغییر شکل داده است. مقام‌های امریکایی در صحبت‌های خصوصی‌شان می‌پذیرند که نمی‌دانند در جنگ افغانستان چقدر مصرف کرده‌اند. تحلیل‌گران مستقل با در نظر داشتن عواملی چون تورم و مراقبت‌های درازمدت از جان‌بازان این کشور، هزینه‌ی آن را حدود ۱۶ تریلیون دلار برآورد می‌کنند. شبیه به چیزی که در روسیه‌ی پس از شوروی اتفاق افتاد، این پول نه تنها در اختیار الیگارشی‌های ظالم قرار گرفت، بلکه معلمان، ترجمان‌ها، مالکان رستوران‌ها و راننده‌ها نیز از جریان پول نقد بهره‌برداری کردند و به میلیونرها تبدیل شدند.

خان محمد باز، رییس اتحادیه‌ی صرافان سرای شهزاده می‌گوید که در پنج سالی که ملا عمر و رژیم طالبان او بر افغانستان تسلط داشتند، «ارز خارجی کم‌یاب بود و احتمالاً ۲ میلیون دلار هم در بازار وجود نداشت». در سال ۲۰۰۳، احتمالاً ۱ میلیون دلار در جریان بود. خان محمد با می‌گوید، این روزها معاملات تجاری به ارزش حدود ۲۰ میلیون دلار در یک روز انجام می‌شوند. بانک مرکزی، به تهنایی، هفته‌وار حدود ۶۰ میلیون دلار را در بازار تزریق می‌کند تا پول افغانی را خریداری کند و ثبات آن را حفظ کند.

حدود ۳۶ درصد جمعیت سی میلیونی افغانستان زیر خط فقر زندگی می‌کنند. یک مقام ارشد اقتصادی افغانستان که نخواست از او نامی برده شود، گفت: «وقتی از مردم در سرک‌ها بپرسید که آیا ما میلیارد داریم، خواهند گفت که نخیر». «اما با اطمینان به شما گفته می‌توانم که میلیارد زیاد داریم. اگر در تن از ثروتمندترین‌های افغانستان - ۹ تن آن‌ها از محصولات ده سال گذشته - دست به‌دست هم بدهند، می‌توانند حکومت، بانک و تمام سیستم را بخرند. ثروتمندان بزرگ افغانستان از ثروت‌شان نمی‌ترسند. بسیاری از آن‌ها با موتورهای ضدگلوله‌ی ۱۵۰ هزار دلاری گردانده می‌شوند، کاروان‌هایی از موترها را به‌دنبال می‌کشند و کامیون‌های پر از محافظان امنیتی را با خود می‌برند. چندین تن آنان در وزیر اکبر خان، محله‌ی دیپلماتیک کابل زندگی می‌کنند؛ اما دیگران به شکل غیرقانونی شیرپور، تپه‌ی تاریخی در پایتخت را تصرف کرده‌اند. برخی از آنان در دبی، استانبول یا شهرهای مختلف اروپایی نیز خانه دارند. بسیاری از اعضای این طبقه‌ی ثروتمند، درست مانند الیگارشی‌های روسیه، بخت‌شان را مدیون سیاست‌اند. برخی از آنان جنگ‌سالارانی‌اند که به امریکا در سقوط دادن رژیم طالبان کمک کردند. دیگران تکنوکرات‌هایی‌اند که از خارج برگشتند تا با حکومت جدید کار کنند. هردو گروه از طریق سیستم موجود پارتی‌بازی و نفوذ در این کشور و با استفاده از مبالغه‌گفتن جریان پول نقد امریکایی در آن، خودشان را تقویت کردند. افغانستان بر اساس ارتباطات اداره می‌شود و تعداد زیادی از بزرگ‌ترین معامله‌سازان با معافیت از مجازات به کارشان ادامه می‌دهند. از یک خانواده، یک برادر می‌تواند در حکومت و یک دیگر در پارلمان باشد و با این حال، یک دیگرشان یک شرکت یا بنگاه کلان دولتی را اداره کند. به همین دلیل، خانواده‌ی

مطیع‌الله مطیع زمانی که موتر تویوتا کروپا را در امتداد جاده‌ی تنگ احاطه شده با گندمزار و کلبه‌های گلین می‌راند، پرسید: «می‌خواهید به آهنگ طالبان گوش دهید؟» مطیع‌الله توضیح می‌دهد که حین رانندگی در فاصله‌های طولانی، وقتی عابر طالب‌گونه را از نیمه‌ی راه در موترش بالا می‌کند، آهنگ را روشن می‌ماند. این تاجر ریشو با ریش‌های گرد با خنده می‌گوید: «آن‌ها فکر می‌کنند که چه یک مجاهد پرهیزگاری هستیم». «نمی‌دانند همه‌ی‌شان را پیچانده و فریب می‌دهم».

ما به‌سوی ولسوالی ناوه می‌رویم که سی دقیقه از لشکرگاه، مرکز ولایت هلمند در گوشه‌ی جنوب‌غربی افغانستان، فاصله دارد. قرار است مطیع به ما نشان دهد که نخست او چگونه میلیونر شد. در نخستین ساعت‌های بامداد آن روز، من و لورینو تاگتولی عکاس، مطیع را در حالی یافتیم که کف دفترش دراز کشیده بود. شب را فیس‌بوک زده بود تا این که بیهوش شده و به خواب رفته بود. در گوشه‌ی، روی دسته‌ی یک نیمکت قهوه‌ای‌رنگ، لب‌تاب نوع دیل پیام خطا (ایرور مسیج) داده بود. توده‌هایی از پوست‌های آبی، مربوط تلفون‌های همراه شرکت سلام، روبه‌روی دیوار گذاشته شده بودند. مطیع اخیراً جواز توزیع سلام را خریده بود. این آخرین پروژهای او است.

وقتی با موتر در بازار ناوه می‌رویم، مردم مطیع را فوراً تشخیص می‌دهند. بسیاری‌ها به‌سوی او دست تکان می‌دهند. او قبلاً این‌جا کار و کسب داشته است و سلام را به این ولسوالی آورده است. به این دلیل است که مردی با ریش مرتب به موتر نزدیک می‌شود و تمایل به صحبت کردن دارد. این مرد که یکی از خرده‌فروشان مطیع است، می‌گوید: «من صد تا سیم کارت سلام خریده‌ام؛ اما هیچ‌کسی آن را نمی‌خرد». مطیع به او می‌گوید، صورت باشد و توضیح می‌دهد که این یک شرکت جدید است، وضع کاروبار بهتر خواهد شد. این مرد می‌پرسد: «چاشت برمی‌گردید؟ همه‌ی‌تان مهمان من می‌شوید؟» مطیع می‌گوید: «یقیناً». «وقتی از گرم‌سیر برگشتیم، مرغ پخته کن».

مطیع هیچ تمایلی به رفتن به گرم‌سیر و خوردن نان چاشت با این مرد ندارد. در مسیر راه، مطیع می‌گوید: «حرامزاده هنوز با طالبان ارتباط دارد». «واقعاً نمی‌توان به هیچ‌کسی اعتماد کرد».

در عرض چند دقیقه به اردوگاه نیروهای دریایی می‌رسیم. نیروهای دریایی ایالات متحده یک سال قبل بساط‌شان را جمع کرده‌اند و تنها چیزی که از آن‌ها باقی مانده است، تعدادی دفترهای کانتینری‌اند که زمانی قراردادی‌های اداره‌ی توسعه‌ی بین‌المللی ایالات متحده (USAID) را در خود جا داده بودند. میزها و میلمان‌ها در داخل قفل شده‌اند و پنجره‌ها را خاک و تار عنکبوت پوشانده‌اند. زمانی که نیروهای دریایی ناوه را اداره می‌کردند و دفتر ولسوال در داخل اردوگاه قرار داشت، امریکایی‌ها مطیع را در جاده‌ی کامیابی‌اش قرار دادند. در ایالات متحده، قراردادهای دوران جنگ بیش‌تر با نام‌هایی چون بلک واتر (اکنون به اکادمی مشهور است)، دین کورب انترنشنل، تریپل کنوی و دیگر نام‌ها همراه‌اند؛ اما در افغانستان، پنتاگون به ارتش کوچک داخلی‌ها وابسته بوده است. سرازیر شدن میلیاردها دلار پول مالیه‌دهندگان به کشور، طبقه‌ی جدیدی از افغان‌های ثروتمند و کارآفرین را به‌وجود آورده است. تهاجم به



# چهارگلد

یادداشت‌های سخیداهاتف

## به زودی دیر شد رفت

می‌دانید چرا مردم در افغانستان خود را «این جانب» می‌گویند؟ حتما شنیده‌اید که وقتی در باره‌ی یک نفر دیگر سخنی می‌گفتند، او را «مشارالیه» می‌خواندند. صاحب این قلم که از این گونه موارد زیاد دیده است. می‌داند که منظور از صاحب این قلم «من» ام. یک نفر دیگر هم هست که هرجا می‌رود، یک سمت جغرافیایی کامل را با خود حمل می‌کند؛ همین «قبله‌گاه» محترم را می‌گویم. راستی، قطعاً این تجربه را هم دارید: به بازار رفته‌اید که برنج بخرید، چون افغان نمی‌تواند بدون برنج به زندگی خود ادامه بدهد. پیش دکان برنج‌فروش دوست‌تان را می‌بینید. بعد از احوال‌پرسی می‌گوید:

«هیچ به طرف‌های ما نمی‌آیی.»

در این جا «طرف‌های ما» گفتن مشارالیه مورد بحث این جانب است. منظور از طرف‌های ما کجاست؟

حالا می‌پرسید خوب، حرفت چیست؟

امروز دیدم که داکتر عبدالله گفته فهرست اعضای کابینه «به‌زودی» اعلام می‌شود. شما می‌دانید که این «به‌زودی» ممکن است کی باشد؟ شاید «طرف‌های» آخر این سال باشد. حرف من این است که ما ملت زرنگی هستیم. هیچ وقت نقطه‌ی مشخصی را با اسم مشخصی نشان نمی‌دهیم. آخر، این کار خطر دارد. من بگویم «من»، شما می‌دانید که اگر بخواهید بر فرق من بکوبید، هدف‌تان کجاست. اما «این جانب» این خطر را ندارد. یک جانب کامل است، سرگردان‌تان می‌کند. در مورد موضوع مشارالیه‌ها هم قضیه همین طور است. اول چند ماه نشسته‌اند و اصلاً با موضوع مورد اشاره‌ی این جانب تماس نگرفته‌اند، حالا که به طرف‌های آخر سال می‌رسیم، می‌گویند، «به‌زودی» فهرست اعضای کابینه اعلام خواهد شد. این طوری با مسئله‌ی فوق‌الذکر «تماس» می‌گیرند. هیچ برای‌تان پیش آمده که با موضوعی تماس گرفته باشید؟ اگر پیش نیامده، قطعاً افغان نیستید. افغان یک مسئله‌ی مشخص را پیش خود نمی‌گذارد که حلش کند. به‌زودی با مشارالیه‌ها تماس می‌گیرد.

ببینیم سرانجام با مسئله‌ی کابینه چه وقت به‌زودی تماس گرفته می‌شود. این جانب، یعنی نگارنده‌ی سطور هذا، که نمی‌داند. جانب شما می‌داند؟

افغانی و ملی‌گرایی متفاوت است - هویت و ملی‌گرایی بیرون از سایه‌ی جهادی‌های سفیدپوش. در ماه اکتبر او اعلان کرد که می‌خواهد برای ملالی میوند، یک آرام‌گاه بزرگ بسازد. سرچشمه‌ی سرمایه‌ی شادمان نیز به پول بخش نظامی ایالات متحده می‌رسد. او که پسر یک معلم ادبیات از قندهار است، پس از وقت مکتب در بازار قندهار شیرینی‌های تهیه‌شده از بادام می‌فروخت. زمانی که ایالات متحده طالبان را از کشور بیرون راند، او برای کار پیش یک معمار محلی رفت که میدان هوایی قندهار را بازسازی می‌کرد. به‌زودی، ترجمان یک واحد نیروهای ویژه‌ی امریکایی شد که در مدت شش ماه بیش‌تر از ۵۰ عملیات نظامی انجام می‌داد. همراهی با سربازان امریکایی شادمان را برای هفته‌ها از خانه دور نگه می‌داشت؛ اما سبب می‌شد که بیش‌تر معاش ماهانه‌اش را ذخیره کند. او یک موتر نوع لند رور (Land Rover) را به قیمت ۴۰۰۰ دلار امریکایی خرید و آن را پس به نیروهای ویژه‌ی امریکایی به اجاره داد. او می‌گوید: «پس از آن من دو معاش می‌گرفتم. ۸۰۰ دلار خودم معاش می‌گرفتم و ۸۰۰ دلار از اجاره‌ی موتر می‌گرفتم.»

در مدت دو سال، او صدها وسیله‌ی نقلیه خرید و آن‌ها را به نظامیان امریکایی و قراردادکنندگان خارجی که به افغانستان آمدند، به کرایه و اجاره داد. او گرفتن پروژه‌های ساختمانی را از واحدهای نظامی کانادایی که بخشی از نیروهای آی‌ساف بودند نیز آغاز کرد. کارفرمایان او در نیروهای ویژه‌ی امریکایی با روابطشان به او کمک کردند که قرارداد تهیه‌ی گاز پروپان برای پایگاه‌های ناتو در جنوب افغانستان را به‌دست آورد. با این وجود، تجارت اصلی او باربری بود. نخست او به حیث دلال برای یک شرکت هنگری کار می‌نمود که موترهای باربری برای انتقال کالا در سراسر کشور فراهم می‌کرد. به‌زودی، شادمان خودش کاروانی از وسایط نقلیه فراهم کرد. سود موترهای او با افزایش حمله‌های ایالات متحده در جنوب افغانستان پس از سال ۲۰۰۶، اوج گرفت. بر اساس اسناد دادگاه، او ۵۴۲۱ مأموریت انتقال کالا را برای آی‌ساف انجام می‌داد.

شادمان متهم به فریب دادن حکومت ایالات متحده است. مبلغ پول مورد اتهام، ۷۷ میلیون دلار است. بر اساس اسناد دادگاه، سیگار (اداره‌ی سربازرس ویژه‌ی ایالات متحده در امور بازسازی افغانستان) شادمان را متهم کرده که فقط با «شوه و بازپرداخت» به مدیران شرکت هنگری توانست امپراتوری باربری‌اش را گسترش دهد. مدیران شرکت هنگری متهم اند که به نوبه‌ی خود قیمت‌ها را به شادمان بالا می‌گفتند تا او بتواند از آی‌ساف پول بیش‌تری بگیرد. در ماه اکتوبر سال ۲۰۱۲، ساعت چهار و نیم صبح، نظامیان امریکایی بر مجتمع شادمان در قندهار حمله کردند. او می‌گوید که آن‌ها در چشمانش نوری انداختند که از دید ماندند، دست‌هایش را بستند و او را به زندان بگرام انتقال دادند. او ۷۴ روز در زندان بگرام نگهداری شد و متهم به تمویل دشمن، فراهم کردن زنان برای طالبان و مشروبات الکولی برای سربازان امریکایی گردید. در یک مرافعه‌ی بازخواهی زبان غیرنظامی، سیگار و وزارت عدلیه‌ی ایالات متحده خواستار منجمد ساختن حساب‌های شادمان در بانک‌های افغانستان شدند. با این حال، حساب‌های او به‌زودی توسط مقام‌های دولت افغانستان از حالت انجماد بیرون شدند و بعضی از این پول‌ها راه خود را به‌سوی دبی باز کرده‌اند. شادمان سه خانه در دبی دارد.

شادمان می‌گوید که از این که امریکایی‌ها مخالف او شده‌اند، ناراحت است. «من با آن‌ها بزرگ شدم، با سربازان‌شان.» او اصرار می‌ورزد که از دعوای قضایی نمی‌ترسد؛ چون اسنادی که آنان علیه او در دست دارند، ضعیف اند. «یگانه آرزوی من این است که من برای مردم امریکا ثابت کنم که در رابطه به قضیه‌ی من پول مایه‌ی آن‌ها هدر نرفته است.» سپس لحن سیاسی او صریح و بی‌پرده می‌شود. «پول من پاک است. من آن را پنهان نمی‌کنم. پول من آشکار است، هم امریکا می‌تواند آن را ببیند، هم لندن. من هیچ ترسی ندارم.»

شادمان تاکنون توانایی آن را داشته است که در برابر حمله‌های قانونی بر حیثیتش بایستد. در حالی که او دیگر با نظامیان امریکایی قراردادی ندارد، نوشیدنی‌های انرژی‌دار جرمنی وارد می‌نماید که در میان جوانان افغانستان، بی‌نهایت خریدار دارد. او برنامه دارد که یک کارخانه‌ی تولیدی آب انار در قندهار بسازد.

با این حال، مسیر مطیع تغییر کرده است. در سال ۲۰۱۲ او تصمیم گرفت که کمی سخاوت به خرج دهد و به زیارت مکه برود که یکی از پنج ستون اسلام است. وقتی او از سفر یک ماهه‌اش برگشت، پولش از دست رفته بود. او می‌گوید که شریک او و مردم محل با استفاده از غیبتش، دسیسه‌ی برای او ساختند و شکایت کردند که ۱۴۵۰ نفر به دلیل نبودن مطیع در کشور، معاش‌های نقدی‌شان را از اداره‌ی انکشاف بین‌المللی ایالات متحده (USAID) نگرفته‌اند. او می‌گوید که شریکش به او گفت که کارگران معاش‌شان را قبلاً گرفته بودند. زمانی که اداره‌ی انکشاف بین‌المللی ایالات متحده و نیروهای بحری بر سر جزئیات کار با او درگیر شدند، شریکش بار و بساطش را بست و به کابل فرار کرد. مطیع می‌گوید که او به دولت شکایت برده است؛ اما تاکنون هیچ اتفاقی نیفتاده است که وضع را اصلاح کند. مطیع با گلایه می‌گوید: «او با رشوه دادن از پول من، علیه من خواهد جنجید. در این حکومت من کاری از پیش برده نمی‌توانم.»

او می‌گوید، آن قدر کم‌بختی به او روی آورد که زمانی در یک روستا سوخت موترش تمام شد، جیبش خالی بود و پول تیل موترش را نداشت. «من به دوستان خود در نیروهای بحری زنگ زدم و آنان برای موترم سوخت فرستادند.»

پول ایالات متحده اکنون در میان نخبگان سیاسی تاراج می‌شود. قراردادکنندگانی مانند مطیع که در سطح بالای زنجیره‌ی غذایی قرار ندارند، مجبور اند که کاملاً خود را تغییر دهند. به این دلیل بود که قرارداد توزیع تلیکام را با پولی که او از دو پروژه‌ی کوچک سفارت ایالات متحده ذخیره کرده بود، به‌دست آورد. چیزی را که او اکنون به‌دست می‌آورد، با آن چه او در اوج نبرد امریکا به‌دست می‌آورد، قابل مقایسه نیست. او در باره‌ی وضعیت مالی اکنونش، فیلسوفانه فکر می‌کند و می‌گوید: «شما پول کم به‌دست می‌آورید، اما این پول دوام‌دار است.»

او به درد از دست دادن آن همه پول، اعتراف می‌کند؛ اما می‌گوید که درد آن در مقایسه به کسان دیگری که سرمایه ساخته و بعد از دست‌شان رفته، کمتر بوده است. او هرگز نمی‌گذارد که پول شیوه‌ی زندگی «کوچی‌وار» او را تغییر دهد. او برای پیش‌برد تجارتش از شهرکی به شهرک دیگر نقل مکان می‌کند. مطیع می‌گوید: «زمانی که پول داشتم نیز این گونه زندگی می‌کردم. من به‌خاطر صداقت و دعای پدر و مادرم زنده مانده‌ام. می‌دانم که کسانی که از من پول دزدیدند، به چه خشمی از سوی خداوند گرفتار خواهند شد.»

## میلیونرهای جدید...

پیدا نمی‌شد، آن‌ها همه بسیار ترسیده بودند». «مطیع‌الله اولین کسی بود که آمد». نیروهای دریایی بسیار پول داشتند. در ده سال گذشته، کانگرس حدود ۳٫۷ میلیارد دلار را به «برنامه‌ی پاسخ اضطراری فرماندهان» (CERP) اختصاص داده است، وجوهی که افسران، در افغانستان و عراق، توانستند از آن برای «امداد فوری بشردوستانه و نیازهای ساختمانی در ساحاتی که مسئولیت داشتند، استفاده کنند». در ولایت هلمند، ارتش ایالات متحده ۱۵۳ میلیون دلار را در ۲۱۶۴ پروژه‌ی CERP مصرف کردند. هم‌چنین USAID از طریق قراردادی‌های خارجی که پروژه‌های به اصطلاح تأمین ثبات، از قبیل بازسازی بازارها و عرضه‌ی تکنولوژی به دفاتر ولسوالی را عملی می‌کردند، به این منطقه پول سرازیر کردند. به‌طور مثال، نظر به گزارش واشنگتن پست، USAID در جریان نه ماه در سال ۲۰۱۰، سی میلیون دلار را در زمینه‌ی زراعت در ناهو مصرف کرد. تمام این‌ها برای کسانی چون مطیع، فرصت ایجاد کردند.

اولین پروژه‌ی او بازسازی دفتر ولسوال بود. این دفتر به دروازه‌ها، پنجره‌ها و دیوارهای نو ضرورت داشت و باید گچ می‌شد. وقتی که کاپیتان نیروهای دریایی این پروژه را به او پیش‌نهاد کرد، مطیع قیمت این پروژه را ۱۰۹۱۰ دلار برآورد کرد. او برای شناخت اوضاع، پنج روز مهلت خواست.

او بعداً متوجه شد که به انجام چه کاری توافق کرده است. بین لشکرگاه و ناهو، منطقه‌ای بود که طالبان در آن‌جا حضور قوی داشتند و مطیع باید ریگ، بیل و بشکه‌ها را از مرکز ولایت به اردوگاه نیروهای دریایی انتقال می‌داد. بنابراین، وقتی مطیع کارگر استخدام کرد، به آن‌ها نگفت که آن‌ها را به ناهو خواهد فرستاد، بلکه به یک ولسوالی امن‌تر دیگر در نزدیکی‌ها خواهد فرستاد. وی یادآوری می‌کند: «من سوار بر یک موترسایکل جلو رفتم». «وقتی آن‌ها به این‌جا رسیدند، گفتم، نگران نباشید. من به شما بیش از آن چه که می‌خواهید، پول می‌دهم. هر قدری که بخواهید». کارگران ۱۵ روز تمام ماندند تا پروژه تکمیل شد.

برای انتقال مواد، یک موتر مازدا را در بدل ۶۰۰ دلار اجاره کرد. او برای استخدام محافظ امنیتی پول نداشت؛ اما این بار دروغ نگفت. به راننده گفت: «ما به ناهو می‌رویم». «اما من با تو می‌روم، هر اتفاقی که برای تو بیفتد، اول برای من خواهد افتاد.»

او دو موترسایکل یافت، یکی برای خودش و یکی برای دستیارش. مانند طالبان لباس برتن کرد؛ لباس سفید پوشید، یک لنگی کلان پاج روی سرش گذاشت، ریشش را روغن زد و چشمانش را سیاه کرد. در جیبش یک رادیوی کوچک داشت که سیگنال‌های نظامی طالبان را می‌گرفت و او با صدای بلند رادیویش را روشن کرد. وقتی موترسایکل‌ها موتر را در جاده‌ی ناهموار منتهی به پایگاه همراهی می‌کردند، آن‌ها از چندین طالب گذشتند. وی با صدای بلند گفته بود: «السلام علیکم» و طالبان به عین روش به او پاسخ داده بودند و او را ملا صاحب خطاب کرده بودند.

برای این که ظاهرسازی حفظ شود، مطیع می‌گوید که به رانند فحش داده بود. «برو برو، بچه‌ی خوک». «این پاداش تدارکات برای کافران است. موتروانی کن». مطیع توضیح می‌دهد: «به او گفته بودم که تو را فحش می‌دهم. به او گفته بودم که به دل نگیرد.»

در سال ۲۰۱۲، شرکت مطیع بیش از دو میلیون دلار در بانک داشت. شرکتش کود و بذرا ارائه کرده بود، در اعمار کلینیک‌ها، مکتب‌ها و ساختمان‌های حکومتی کمک کرده بود و بیش از ۷۷ کیلومتر سرک محلی را هموار کرده بود. او در تحویل‌دهی پول USAID، به عنوان بخشی از برنامه‌ای که «پول برای کار» نامیده می‌شد، به ولسوالی‌های دورافتاده کمک کرده بود. او کارهای دیگر را نیز شروع کرده بود، بسکویت و شامپوهای ایرانی را از نیمروز که یک ولایت مرزی کلان و بندری برای قاچاق‌چیان است، وارد می‌کرد و این محصولات را در سرتاسر کشور توزیع می‌کرد. هم‌چنین او پولش را در خارج سرمایه‌گذاری کرد، از جمله ۱۰۰ هزار دلار را در یک دوکان شیرینی‌پزی در امارات متحده‌ی عربی سرمایه‌گذاری کرد. او در نتیجه‌ی مصرف امریکایی‌ها، ثروت‌مند شده بود. چون موفقیت طبقه‌ی ثروتمندان جدیدی چون مطیع اغلب از پول آزاد امریکایی سرچشمه می‌گیرد، می‌تواند بوی کار خلاف قانون و فساد را نیز حمل کند. دفتر سربازرس ویژه‌ی ایالات متحده برای بازسازی افغانستان (سیگار) چندین مورد را بررسی می‌کند تا ببیند که آیا وجوه امریکایی اختلاس شده یا حتا در حمایت از شورشیان به مصرف رسیده است یا خیر. در این‌جا حقه‌بازی تقریباً غریزی است، بخشی از ذهنیت «زنده ماندن به هر قیمت» است که در جریان چندین دهه هرج‌ومرج و جنگ ریشه دوانیده است. نسیم اکبر، یک مقام پیشین اقتصادی در حکومت افغانستان گفت که وقتی کشور در اواخر ۲۰۰۱ از حاکمیت طالبان بیرون آمد، «مثل این بود که در چاه تاریک انزوا گیر مانده باشیم، بعداً کسی در چاه ریسمان انداخته باشد تا ما را بالا بکشد.»

فساد فراگیر و مشهود است: موتر زرق و برق‌دار مربوط به یک کارمند مالیات که معاش ماهانه‌اش ۲۰۰ دلار است و خانه‌ی تجمعی رییس پولیس یک حوزه، نشانه‌های فساد اند. یک مقام غربی می‌پرسد: «آیا فساد به چیزی تبدیل شده که در افغانستان همه‌چیز را با هم نگه می‌دارد؟» «شاید». برخلاف برخی از ثروتمندترین‌ها که سودشان را در بانک‌های خارجی سپرده‌گذاری می‌کنند، طبقه‌ی کارآفرین تمایل دارد بخش زیادی از پول‌شان را در داخل مرزهای کشور نگهدارند. این مقام توضیح می‌دهد: «این‌جا فساد از نوع «همه‌چیز برای خودم» وجود دارد» و هم‌چنین «این‌جا فساد از نوع «Tammany Hall» و از سبک رایین هود وجود دارد که در آن نسبت به اجتماع سخاوت‌مند و بخشنده هستید.»

حکمت‌الله شادمان شبیه رایین هود دیده نمی‌شود؛ اما بازرسان امریکایی سوء ظن عمیقی نسبت به او دارند. او در جایی کار می‌کند که زمانی خانه‌ی احمد ظاهر در کابل بود. احمد ظاهر، آوازخوان افسانه‌ای بود که به الویس (Elvis) افغانستان مشهور است. شادمان ۲۹ ساله، گل‌ها را دوست دارد. مجتمع رنگین او در وزیر اکبر خان شبیه عروسک‌خانه معلوم می‌شود که در سقف آن گل‌های پلاستیکی، ورق‌ها و پارچه‌های نقاشی، آئینه و تصویر چیده شده‌اند. شادمان که برای مصاحبه در باره‌ی تجارت و کارهای خیرخواهانه‌اش نشسته است، می‌گوید: «گل‌ها مرا شاد می‌کنند». کارهای خیرخواهانه‌ی شادمان عمدتاً در ولایت جنوبی قندهار اجرا می‌شوند که تقریباً ۳۰۰ مایل از کابل فاصله دارد. او جاکت ورزشی سیاه را بالای پیراهن خامک‌دوزی شده‌ی تفره‌ای می‌پوشد. بالای میزی که در پیش‌روی ما قرار دارد، انواع میوه‌ی خشک و بوتل‌های نوشیدنی و آب‌میوه گذاشته شده‌اند. یک مرد میان‌سال که شادمان او را ماما صدا می‌کند، دانه‌های تسبیح را می‌شمارد و بالای صندلی‌ای که به طرف راست این بازگان گذاشته شده، خود را لم داده است.

با آن که کارهای خیرخواهانه‌اش نفوذ او را هم در میان مردم و هم در دولت تا حدودی تحکیم کرده، زیاد دوست ندارد در باره‌ی فعالیت‌های خیرخواهانه‌اش صحبت کند. رسانه‌های افغانستان گزارش داده‌اند که او برای دانشجویان در شهر جلال‌آباد خوابگاه آماده کرده، یکی از نخستین کسانی بوده که کاروانی را برای کمک به آسیب‌دیدگان لغزش زمین در بدخشان فرستاده و کسی است که هزینه‌ی تحصیل بیش از ۶۰ دانشجو را می‌پردازد که ۱۳ تن آنان را برای تحصیل به هندوستان فرستاده است. تازه‌ترین کار او، راه‌انداختن مسابقه‌ی آقای فیس‌بوک (Mr. Facebook Contest) در قندهار بود که برای شناسایی و تشویق شهروندانی برگزار شده بود که از رسانه‌های اجتماعی برای خیر عموم استفاده می‌کنند. او از طریق حکومت به ۱۸۰ خانواده در یک دهکده‌ی زیر کنترل طالبان در قندهار مواد خوراکی فراهم می‌کند. او می‌گوید: «ما نشان می‌دهیم که طالب به معنای ماین و انفجار است و حکومت به معنای کمک». شادمان در حالی که تاکنون به‌طور غیرآزادی رهبر طالبان را با احترام ملا صاحب می‌گوید، در تلاش خلق یک هویت

### هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزل‌تان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکتها		برای متعلمین و محصلین	
6 Months	100\$ USD	۲۵۰۰ افغانی	شش ماهه	۷۵۰ افغانی	سه ماهه
Annual	180\$ USD	۴۰۰۰ افغانی	یک ساله	۱۳۰۰ افغانی	شش ماهه
				۲۵۰۰ افغانی	یک ساله

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسؤلیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.





## بگو مگو از

Rahman Rahmani



سر زدم به صفحات شبکه‌های اجتماعی پاکستانی‌ها تا در مورد واکنش این مردم در قبال حمله‌ی تروریستی بر یک مکتب آگاهی بیش‌تر یابم. بالاتر از هزارها نفر این تصاویر را بلند کرده بودند و از اقدام راحل شریف مبنی بر آمدنش به کابل و «اخطار» دادن به مقام‌های کابل حمایت کرده بودند. این تصاویر به گونه‌ی حرفه‌ای طراحی شده و به خورد مردم پاکستان داده شده‌اند تا جنگ را در افغانستان هم‌چنان حمایت کنند و نظامی‌های پاکستان را بر شکوه قهرمانی «مبارزه با تروریسم» نشانند.

از سوی دیگر پاکستان سروصدایی به‌راه انداخته که تمام تروریستان زندانی را اعدام خواهد کرد. این اقدام نظامی‌های پاکستان دو سود دارد:

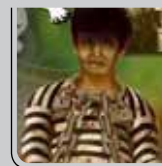
۱- روحیه‌ی نیروهای مسلح مخالف دولت تضعیف شده و در آینده قیل از طرح و عملی کردن حملات، هزار بار اندیشه می‌کنند.

۲- مردم پاکستان از نظامی‌های‌شان هم‌چنان حمایت خواهند کرد و دولت پاکستان در مجموع از جامعه‌ی جهانی به این بهانه کمک‌های هنگفت دریافت خواهد نمود.

مقایسه:

وقتی در ارگون، غور و دایکندی و پکتیا و حالا در کتر تروریستان مردم بی‌دفاع افغانستان را می‌کشند، زمامداران ما نه تنها که انگشت انتقاد به‌سوی پاکستان بلند نکرده و این جرأت را در آینده هم نخواهند کرد، بلکه حتا سه روز بعد به دیدار بازماندگان قربانیان، آن‌هم به‌صورت انفرادی می‌شایند. طالبان نه تنها که اعدام نشدنند، حداقل هشدار می‌مینی بر اعدام دریافت نکردند. بدتر از آن این‌که «مخالف سیاسی» خطاب شدند و سیاست زاری و تضرع با آن‌ها پیش گرفته شد.

### عظیم بشرمل



برادر، کاکا، پسر کاکا و شوهرخواهرم در این روزها در کنار نهر عقلمه برای قمر بنی‌هاشم مرواریدوار اشک می‌ریزند. اقوام در منطقه یک عالم آمادگی گرفته‌اند تا یک جشن لایق به‌حال کربلایی‌ها برگزار کنند. مادرم فعلا در کابل است. وقتی شنید که برادرم راهی کربلای معلا شده است، فورا به روستای مان تماس گرفت تا نرگاو چاق و آله (پیشانی سیاه و سفید) را دست بکشند و نذر کربلایی نیت کنند. اعتراض پدرم نه مانع عزم آهنین دینی فامیل کربلارو شد و نه از شور و شوق مادرم کاست.

مادرم را در دهکده‌ی ما کسی به نامش (سلطان) صدا نمی‌کرد. همه «آیه شاه‌گل» (مادر شاه‌گل) می‌گفتند. شاه‌گل خواهر بزرگم اولین فرزند خانواده است. با پدرم می‌گویم: خوب با همت بلند دینی اولاد نیک مادرم از یاد شدن به‌نام آیه شاه‌گل، آن‌هم به‌نام یک دختر، به‌زودی به‌نام آیه کاطم کربلایی تغییر نام خواهد داد. یک نرگاو را که بگذارد، ده شتر می‌ارزد تا خیرات کند. پدرم که مخالف رفتن برادرم به کربلا بود، به کنایه می‌گوید، «به‌شرطی که قوم قومی کند» و الا باز هم آیه شاه‌گل خواهند گفت، نه آیه کربلایی.

مادرم به این حرف‌ها اهمیت نمی‌دهد و از شور و شوق بال و پر کشیده است. حضور میلیونی افغانستانی‌ها در کربلا هم پول هنگفتی را نصب دولت ایران و عراق خواهد کرد و هم با علم کردن کربلا، ایران رقیب منطقه‌ای‌اش عربستان را می‌مالد. عبور و مرور میلیونی مردم از مرز ایران و عراق، زمینه‌ی نفوذ ایران به عراق را بهتر و ساده‌تر می‌سازد. فعلا مردمی که از گرسنگی به ایران پناه برده بودند، ضرر می‌کنند؛ اما آخرت را نمی‌دانم که پرچمدار کربلا با محبتانش چه خواهد کرد.

می‌توان از دره‌های سرد بامیان و ریگستان‌های سوزان فراه... نیز به خدا رسید. مردم ما از کربلا و مکه رفتن نیازهای جدی و فوری‌تری دارند تا به آن برسند. پر کردن شکم گرسنه و پوشاندن تنی برهنه نیز کم ثواب ندارد. دست به دامن آمریکا و گردش در کربلا، به طنز تلخی می‌ماند. وقتی که امام حسین هشت ذی‌الحجه حج را رها کرد و به‌خاطر یک امر مهم سیاسی و اجتماعی به‌سوی کوفه رفت، آیا توجیه‌پذیر است مردم گرسنه‌ی ما به کربلا بروند؟

### Asad Kosha



۱) تنها در اوج آوارگی است که انسان به خرد ناب می‌رسد. خرد ناب به عکس خرد مکتوب، در لایه‌ی متن نه، که در گوهر آوارگی است.

۲) رابطه‌ی آوارگی و خرد و پیوند رنج و اندیشه اما همواره دیالکتیکال است. انسان به پیمانه‌ای که رنج می‌برد، انسان‌تر می‌شود. نسبت خرد ناب و هومر را می‌شود در همین سنجه جست‌وجو کرد. هومر خرد را در عمق آوارگی کشف کرد. انسان هومری انسان بی‌خانه بود: نه به ریسمان متافزیک آویزان بود و نه در زمین خدایی داشت. باری، هومر را می‌توان آواره و رنجورترین، اما همزمان خردمندترین انسان یونان باستان فهم کرد.

### Assad Ullah Radmand



#### فرزندان ما باید بدانند که دشمن همیشه با تمقیر کشته است

یادم هست که تاریخم را تاراج کردی و کتابخانه‌های با قدمت خونم را قدم به قدم به آتش کشیدی، اما

من هنوز نفس می‌کشم. یادم هست که بر طبل خشونت کوبیدی و حلق آویزم کردی و در گوشه‌هایی از شهر در بدل اندک غله معامله‌ام کردی، اما من هنوز طعم آزادی را سر می‌کشم. اما من که با قدمت تاریخ زندگی می‌کنم، هیچ‌گاه پوشالی زندگی نکرده و برای دیگران فخر نمی‌فروشم، بلکه افتخار دارم که با سربلندی تمام، قامت راست می‌کنم. این‌جاست که من استبداد را به زیر می‌کشم، هرچند که سیاه‌چال‌ها را به پاس من از هم‌تبارانم پر می‌کنند. ولی ندای آزادی و بیداری ادله‌ی مقاومت در برابر گلوله‌های خونین است که همیشه مرا هدف قرار داده است. خالق قهرمان، یادت گرامی و راحت پر رهرو باد. خالق همیشه جاوید است و در دل‌های آزادی‌خواهان جاوید خواهد ماند.

# هوش مصنوعی و آینده‌ی ترسناک بشر



باشد. در این لحظه قطعا جای نگرانی نیست. فکر نمی‌کنم در ۱۰-۲۰ سال آینده هم به هوش مصنوعی در سطح هوش انسان برسیم. با این حال، شاید بد نباشد محققان حوزه‌ی هوش مصنوعی کم‌کم به مسائلی که استیون هاوکینگ و دیگران طرح کرده‌اند، فکر کنند.

پروفیسور شاناهان معتقد است، بزرگ‌ترین مانع برای ساختن ماشین‌های حقیقتا هوشمند هنوز به قوت خود باقی است- این‌که هوش ماشینی را چطور ایجاد کنیم. می‌گوید: «هنوز واقعا نمی‌دانیم بهترین راه چیست. طبیعت را کپی کنیم، یا همه‌چیز را از اول شروع کنیم.»

چارلز استراس، نویسنده‌ی داستان‌های علمی-تخیلی، بر این باور است که در ذات سیستم‌های با هوش مصنوعی خطری نهفته، اما این خطر صرفا به‌خاطر این‌که ماشین از ما بهتر فکر می‌کند، یا ناگهان می‌فهمد می‌تواند به‌جای دستور گرفتن از انسان، دنبال دل خودش برود، به حقیقت نمی‌پیوندد. آقای استراس می‌گوید: «هیچ‌کس ماشین هوشمندی که خودش هدفش را تعیین کند، نمی‌خواهد؛ چون چنین ماشینی قاعدتا تصمیم می‌گیرد به‌جای این‌که کاری را که ما فکر می‌کنیم خوب است، انجام دهد، مثل آدم‌ها با یک ظرف چیپس و کنترل تلویزیون در دست روی مُبل رها بشود.»

اگر به کارهایی که در حال حاضر در حوزه‌ی هوش مصنوعی انجام می‌شوند، نگاه کنیم، می‌بینیم بیش‌ترشان روی سیستم‌هایی متمرکز اند که به‌طور مشخص آن خودآگاهی و اختیاری را که می‌تواند برای ما آدم‌ها مشکل‌آفرین شود، ندارند.

آقای استراس معتقد است، هوش مصنوعی- چه امروز، چه در آینده- می‌تواند خطرناک باشد. اما به‌خاطر آدم‌هایی که هدایتش می‌کنند. اومی‌گوید: «از نگاه من، بزرگ‌ترین خطر هوش مصنوعی برای ما از ناحیه‌ی آن (موجود) خودآگاهی است که اهدافش را تعیین می‌کند.»

این نویسنده‌ی داستان‌های علمی-تخیلی اضافه می‌کند: «هوایم‌ای بی‌سرنشین آدم نمی‌کشد. آن آدمی که فرمان می‌دهد به نقطه‌ی فلان برو و فلان موشک را شلیک کن، آدم می‌کشد. قصد و نیت آدم‌ها را باید به پرسش گرفت. همین حالا هم می‌شود گفت به دوران پسا‌هوش مصنوعی قدم گذاشته‌ایم. با این حال، هنوز نپذیرفته‌ایم که هوش مصنوعی در واقع جاگزینی برای خود ماست- ابزاری که تندتر و دقیق‌تر فکر می‌کند، اما نه ضرورتا خیرخواهانه‌تر.»

محاسبات پیچیده را در یک چشم برهم‌زدن انجام می‌دهد. یک ابرکامپیوتر ساخت آی.بی.ام به‌نام «واتسون» با بهترین‌های یک مسابقه‌ی تلویزیونی امریکایی به‌نام «خطر» بازی کرد و همه را برد. مثال‌هایی از این دست بسیارند. مثال‌هایی که کامپیوترها برای مسئله‌هایی در حوزه‌های مختلف راه‌حل‌های جدید و خلاقانه پیدا می‌کنند، راه‌حل‌هایی که هرگز به عقل ما آدم‌ها نرسیده بودند.

شکی نیست که ماشین‌ها آرام‌آرام هوشمندتر می‌شوند و کارهایی که آدم‌ها در آن بهتر باشند، روزبه‌روز کمتر می‌شود.

#### مرگ با هوایم‌ای بی‌سرنشین

اما این خطر چقدر جدی است؟ روزی که بشر اولین برنامه‌ی کامپیوتری «حقیقتا» هوشمند را بنویسد، برنامه‌ای که خودش بتواند نسخه‌ای هوشمندتر از خودش تولید کند، آیا چنان روزی می‌توان گفت کار انسان تمام است؟

نیل جیکوبستین، مدیر بخش هوش مصنوعی و رباتیک دانشگاه سینگولاریتی در کالیفرنیا می‌گوید، ممکن است. می‌گوید: «به نظرم رسیدن به دست‌آوردهای اخلاقی از هوش مصنوعی کار آسانی نیست.» به اعتقاد او، اگر از همین حالا تلاش کنیم، می‌توانیم جلو ظهور هوش مصنوعی افسارگسیخته را بگیریم. می‌گوید، باید به پیامدهای کارمان وقتی چیز تازه‌ای خلق می‌کنیم بیندیشیم، و جوامع و نهادهای‌شان را برای تغییرات فراگیری که ممکن است پیش بیایند، آماده کنیم.

به زبان خودش، «بهتر است این کارها را پیش از آن‌که این فن‌آوری‌ها تکمیل شوند، بکنیم. قدر مسلم این است که نه هوش مصنوعی، نه رباتیک هنوز به مرحله‌ی نهایی و تکمیل نرسیده‌اند. در کل اگر به این‌که کار کجا ممکن است خراب شود فکر نکنیم، احتمال این‌که کار خراب شود، بیش‌تر می‌شود. من معتقدم، این امکان را داریم که با جدیت به این پیش‌آمدهای منفی احتمالی فکر کنیم و تا جایی که می‌توانیم برای‌شان لایه‌های کنترولی

بیش‌تر و فکرشده‌تر طراحی کنیم.» آن‌طور که ماری شاناهان، استاد رباتیک ادراکی در امپریال کالج لندن می‌گوید، کسانی که در زمینه‌ی هوش مصنوعی کار می‌کنند، هنوز به‌جایی نرسیده‌اند که بخواهند برای جلوگیری از لگام‌گسیختگی ساخته‌های‌شان سیستم‌های امنیتی تعبیه کنند.

او می‌گوید: «جامعه‌ی متخصصان هوش مصنوعی آن‌قدرها نگران نیست. به نظر می‌رسد مردم بیش‌تر نگران اند. شاید جای درست جایی وسط این دو

فیلم‌های بسیاری با این مضمون ساخته شده که وقتی هوش مصنوعی از انسان باهوش‌تر شود، چه می‌شود. بیچاره آدم‌ها! اگر حرف دانشمندان و مهندسان و هنرمندان نگرانی که روزبه‌روز هم بیش‌تر می‌شوند، درست باشد، کار آدم‌ها تمام است. حتا پروفیسور استیون هاوکینگ، فیزیک‌دان سرشناس بریتانیایی هم به جمع هشداردهندگان پیوسته است. می‌گوید اگر بشر وسیله‌ای بسازد، یا نرم‌افزاری بنویسد که واقعا هوشمند باشد، معلوم نیست چه اتفاقی بیافتد. نگران است آن روز آغاز پایان کار آدمی‌زاد باشد.

یکی دو ماه پیش الون ماسک، رییس شرکت تسلا هم حرف‌های مشابهی زده بود. گفته بود، هوش مصنوعی افسارگسیخته «بزرگ‌ترین تهدید» برای موجودیت بشر است. گفته بود، نگران است عاقبت همه‌ی ما له شدن زیر پاشنه‌ی موجوداتی حساب‌گر و بی‌عاطفه باشد، موجوداتی با هوش مصنوعی.

یک مورد دیگر پروفیسور نیک بوستروم، استاد دانشگاه آکسفورد است. او هم گفته ممکن است در عرض یک قرن موجوداتی با هوش مصنوعی دنیای ما را به آخر برسانند. یا نمونه‌ی دیگر، ری کورزویل، مدیر مهندسی گوگل است. او هم نگران هوش مصنوعی است، هرچند به دلایلی پیچیده‌تر.

او می‌گوید: «نوشتن الگوریتمی به‌عنوان الگوی اخلاقی که آن‌قدر محکم باشد که نرم‌افزارهای فوق‌هوشمند را مقید و مهار کند، کار آسانی نیست.» این دغدغه در سال‌های اخیر دست‌مایه‌ی فیلم‌های بسیاری هم بوده. فیلم‌هایی مثل ترمیناتور، ماتریکس، یا بلید رانر که در همه‌ی آن‌ها انسان ضعیف در برابر دشمنی هولناک با هوش مصنوعی قرار می‌گیرد. از نمونه‌های جدیدتر می‌توان فیلم «او» اثر اسپایک جونز را نام برد، که رابطه‌ی عاشقانه‌ی انسان و سیستم عامل را به تصویر می‌کشد. یا اثر در دست تهیه‌ی الکس گارلند به نام «اکس ماشینا»، که به وجه انسانی یک ربات یا اندروید می‌پردازد. یا فیلم جدید از سری «انتقام‌جویان» که در آن قهرمانان داستان با «ولتران» می‌جنگند- موجودی با هوش مصنوعی فوق‌العاده که می‌خواهد بشر را نابود کند و حتما این کار را می‌کند، اگر قهرمان‌هایی مثل «تور»، «مرد آهنی» و دیگران نبودند.

حتا در عالم واقع، همین امروز هم نشانه‌هایی می‌توان دید که هوش انسان در برابر کامپیوتری که همه‌ی توانش را روی یک مسئله‌ی مشخص می‌گذارد، چقدر حقیر است. برنامه‌های شطرنج کامپیوتری از بهترین شطرنج‌بازان جهان که بگذریم، بقیه‌ی انسان‌ها را به‌سادگی می‌برند. حتا یک وسیله‌ی ابتدایی مثل موبایلی که در جیب‌تان است،





## لوکاس سیلوا: پوشیدن پیراهن ریال آرزویم است

لوکاس سیلوا، هافبک برزیلی که مورد توجه ریال مادرید قرار دارد، عنوان کرد که آرزویش بازی کردن در پیراهن ریال است. ریال مادرید قصد دارد این هافبک دفاعی جوان را در جنوری به خدمت بگیرد. هنوز توافقی بین دو طرف انجام نشده، ولی منابع معتبر از قطعی شدن این انتقال خبر داده‌اند. حال او در مصاحبه با مارکا، از انگیزه‌هایش برای آینده و آرزوهایش گفت. قهرمانی در لیگ برزیل: «مسلماً این فصل، بهترین فصل فوتبالی من بوده است. تیم قهرمان لیگ شد و من از لحاظ فوتبالی رشد بسیاری کردم. فکر می‌کنم حالا پخته‌تر شده‌ام». ریال مادرید: «این که بسیاری می‌گویند، ریال به دنبال خریدن من است، افتخار و دست‌آورد بزرگی است. در حال حاضر در تعطیلات هستم و سعی می‌کنم زیاد به این چیزها فکر نکنم. اگر اتفاقی بیفتد، کروزیرو و مدیر برنامه‌هایم من را مطلع خواهند کرد». رویا: «البته که بازی کردن در ریال برایم رویاست و این راز نیست. بیوستن به این تیم برایم افتخاری است، ولی برای این که این انتقال رخ دهد، باید هردو باشگاه با هم توافق کنند. تنها کاری که می‌توانم انجام دهم این است که صبر کنم». احتمال به تعویق افتادن انتقال: «اگر حالا شرایط برای انتقال مهیا شود، آماده هستم. اگر باید تا تابستان در کروزیرو بمانم و بعد منتقل شوم هم مشکلی ندارم؛ زیرا دوست دارم با باشگاهم در کویا لیبرتادورس شرکت کنم که چالش بزرگی برای من محسوب می‌شود. برای هر احتمالی حاضریم».

## داور فاینل جام جهانی باشگاه‌ها مشخص شد

نه داور پرتگالی و نه داور شیلیایی، هیچ‌کدام از گزینه‌های مورد علاقه ریال و سن لورنزو، برای داوری بازی فاینل انتخاب نشدند. شام دیروز (جمعه) نام داور بازی نهایی جام جهانی باشگاه‌ها که قرار است امشب، ساعت ۱۱ در ورزشگاه شهر مراکش بین ریال و سن لورنزو برگزار شود،

## مقایسه‌ی آمار گولزنی سن لورنزو با کریس رونالدو

مقایسه‌ی آماری بین سن لورنزو و کریس رونالدو، به‌خوبی نمایانگر تفاوت سطح کیفی ریال و تیم آرژانتینی است. سن لورنزو در سال ۲۰۱۴، تاکنون ۶۵ بازی رسمی انجام داده و بازیکنان این تیم موفق به زدن ۶۶ گل نیز شده‌اند. در حالی که کریستیانو رونالدو، به تنهایی تنها ۱۰ گل کمتر از سن لورنزو به ثمر رسانده است. رونالدو در ۵۱ بازی رسمی برای ریال در سال ۲۰۱۴، ۵۶ گل به ثمر رسانده است.

## مصاحبه‌ی جنجالی ژاوی هرناندز با TV ۸

اختلافات مادرید و کاتالونیا گفت: «من همیشه خیر و صلاح مردم کاتالونیا را می‌خواهم. به این منطقه تعصب و ارادت خاصی دارم. معتقدم که مادرید (دولت مرکزی اسپانیا) صدای ما را نمی‌شنود و با ما گفت‌وگو نمی‌کند. مثل این می‌ماند که من به شما که دوست من هستید، زنگ بزنم؛ اما شما جواب تیلیفون مرا ندهید». لازم به ذکر است که این مصاحبه دیشب پخش شد.

## دلایل جدایی لویز از ریال از زبان خودش

دیگو لویز، دروازه‌بان میلان که در تابستان از ریال به این تیم منتقل شد، در مصاحبه با توتو اسپورت، دلایل جدایی‌اش از مادرید را شرح داد. دروازه‌بان ۳۳ ساله در جنوری ۲۰۱۳ با ۳،۵ میلیون یورو از سویا به ریال پیوست و عملکرد فوق‌العاده‌ای از خود نشان داد و کاسیاس را نیمکت‌نشین کرد. با این حال، در پایان فصل ۲۰۱۴، با پیوستن کیلور ناواس به ریال، لویز از سپیدپوشان جدا شد و به میلان پیوست. او گفت: «وضعیتم در مادرید به گونه‌ای بود که نمی‌توانستم اوضاع را کنترل کنم. مشکلات بین من و کاسیاس به وجود آمده بودند و وقتی باشگاه کیلور ناواس را خریده، شرایط فرق کرد و اوضاع بدتر شد. من با کارلو آنچلوتی و مربی دروازه‌بان‌ها صحبت

## پیش‌نهاد ۵۰ میلیونی لیورپول برای بنزما

باشگاه لیورپول قصد دارد برای خرید کریم بنزما، مهاجم ریال مادرید، پیش‌نهادی به سپیدپوشان ارائه دهد. عملکرد بسیار خوب بنزما در طول فصل جاری و فصل گذشته، توجه دیگر تیم‌های بزرگ را به مهاجم سپیدپوشان جلب کرده است. ال کاتا موفق شد در لیست ۲۳ نفره‌ی توپ طلا حضور داشته باشد و هم‌چنین جایزه‌ی بهترین بازیکن سال فرانسه را دریافت کرد.

## زیدان: بیلسا مارسی را متحول کرد

زین‌الدین زیدان، ستاره‌ی سابق فوتبال فرانسه اعلام کرد که از نتایجی که المپیک مارسی در این فصل با هدایت مارسلو بیلسا به‌دست آورده، راضی است. زیدان یکی از هواداران دواتشه‌ی تیم شهر زادگاهش، مارسی است و از این‌که بیلسا توانسته در این فصل این تیم را به یکی از مدعیان قهرمانی لوشامپیونه تبدیل کند، خوشحال است. او به خبرنگاران گفت: «ورود بیلسا،

## پیام مسی به مناسبت خداحافظی هانری

روزهایی که او در زمین فوتبال می‌درخشید را گرامی داشتند. آخرین این بازیکنان، لیو مسی بود. مسی دیروز در صفحه‌ی اجتماعی خود نوشت: «تیری عزیز، هیچ‌گاه روزها و لحظات شیرینی که در کنارت بازی کردم را از یاد نخواهم برد. برای تو در دوره‌ی جدید زندگیت، آرزوی بهترین‌ها را دارم».

## جرارد: لیورپول بهترین باشگاه برای استرلینگ است

استیفن جرارد، کاپیتان لیورپول مدعی شد که رحیم استرلینگ باید در این تیم بماند و این باشگاه برایش کاملاً مناسب است. مهاجم ۲۰ ساله در حال حاضر در مذاکره برای تمدید قراردادش است که دو سال از آن باقی مانده، ولی هنوز توافقی صورت نگرفته است. باشگاه‌های بزرگ اروپایی برای خرید او یا پیش گذاشته‌اند و جرارد، کاپیتان لیورپول معتقد است که این باشگاه بهترین انتخاب برای استرلینگ خواهد بود.

او گفت: «استرلینگ می‌تواند این‌جا پیشرفت کند و به یک بازیکن درجه یک تبدیل شود. امیدوارم افرادی که به او نزدیک هستند، راه‌نمایی‌های خوبی به او بکنند. او باید بماند. تماشای بازی او لذت‌بخش است و بازی کردن کنارش فوق‌العاده است. وقتی به او نگاه می‌کنید، همیشه دست شما را باز می‌گذارد و این چیزی است که من در طول حضورم در لیورپول، با فرناندو تورس و مایکل اوون تجربه کردم. رحیم استعداد بسیار بالایی دارد».

## مانچینی: بالوتلی دوست دارد مثل زلاتان شود

روبرتو مانچینی، سرمربی اینتر اعلام کرد که ماریو بالوتلی دوست دارد به جایگاهی مانند زلاتان ابراهیموویچ دست کند و امیدوار است که بتواند روزی به خوبی این ستاره‌ی سوئیدی شود. بالوتلی و زلاتان زمانی زیر نظر مانچینی در اینتر هم‌تیمی بودند و مانچینی معتقد است که ستاره‌ی سوئیدی می‌تواند الگوی مناسبی برای سوپرماریو باشد.

مانچو در سخنرانی‌اش در دانشگاه بوکونی شهر میلان گفت: «ماریو دوست دارد مثل زلاتان شود. اما زلاتان چند سال پیش‌تر بازی کرده و تجربه، کیفیت، کلاس و قدرتی دارد که بالوتلی هنوز به آن نرسیده است؛ هرچند سال‌های زیادی است که بازی می‌کند».

بالوتلی این پتانسیل را دارد و تردیدی نیست که آن‌ها در کنار هم فوق‌العاده بودند. ماریو آن زمان خیلی جوان بود و اکنون با خیلی از مسائل کنار آمده است. امیدوارم و برایش آرزو می‌کنم که مثل زلاتان شود. مانچینی هم‌چنین معتقد است که حضور افراد جوان‌تر در فدراسیون فوتبال ایتالیا می‌تواند باعث پویایی فوتبال این کشور شود: «امیدوارم در رأس فدراسیون، افراد جوان حضور پیدا کنند. افراد جوان ممکن است اشتباه کنند؛ اما آن‌ها مطمئناً کارهای خوبی هم انجام خواهند داد؛ ضمن این‌که از اشتباهات هم می‌توان درس گرفت. جوان‌ها، آینده‌ی ما هستند و من همیشه دوست دارم که آن‌ها رشد کنند».

## روبرتو کارلوس:

### نیمار سومین بازیکن برتر دنیاست

روبرتو کارلوس، ستاره‌ی سابق تیم ملی برزیل، با ستایش از نیمار، کاپیتان فعلی سلسائو، او را یک پدیده توصیف کرد و تأکید کرد که این مهاجم جوان، اکنون برای رسیدن به عنوان بهترین بازیکن دنیا با لیونل مسی و کریس رونالدو رقابت دارد. بعد از رقابت‌های جام جهانی و حضور کارلوس دونگا روی نیمکت تیم ملی برزیل، بازوبند کاپیتانی به نیمار رسید. او در فهرست اول توپ طلا هم حضور داشت و روبرتو کارلوس معتقد است که او سومین بازیکن برتر دنیا در فصل جاری است. او به خبرنگاران

## بارتومئو: سال ۲۰۱۴،

### سال دشواری برای بارسا بود

سر انتقال نیمار، ریاست باشگاه کاتالانی را برعهده گرفت. اما از زمان حضور او روی صندلی ریاست بارسا، این باشگاه نتوانست به عنوانی دست پیدا کند. ضمن این‌که مرگ تیتو ویلانوا و محرومیت بارسا از انجام نقل‌وانتقال، سال دشواری را برای این باشگاه رقم زد.



جوزپ ماریا بارتومئو، رییس باشگاه بارسلونا اعلام کرد که از به پایان رسیدن سال ۲۰۱۴ خوشحال است و امیدوار است که سال آینده، سال پربارتی برای این باشگاه باشد. بارتومئو در جنوری سال ۲۰۱۴ و بعد از استعفای ساندروسل، به‌دنبال جنجال‌ها بر



## فرماندهی پولیس کابل: رییس جمهور اعضای گارنیزون جدید را تعیین می کند



اردو، پولیس و استخبارات را دارا خواهد بود. او در ادامه گفته است که برای بهبود وضعیت امنیتی کابل سه برنامه روی دست اند. ریحیمی از برنامه‌های درازمدت، میان مدت و کوتاه‌مدت نام برده و گفته است که در حال حاضر کار روی تقویت سیستم تشکیلاتی پولیس جریان دارد. این اظهارات در حالی مطرح می‌شوند که اخیراً حملات طالبان در کابل افزایش یافته است. طالبان در دو ماه اخیر بیش از ۱۵ حمله‌ی انتحاری و انفجاری را در کابل انجام داده‌اند که تلفات جانی زیادی را برجا گذاشته‌اند. مقام‌های امنیتی می‌گویند که طالبان در جنگ رویارو با نیروهای امنیتی شکست خورده و حال برای نشان دادن حضورشان، حملات انتحاری و انفجاری را در شهرهای بزرگ، به‌ویژه در کابل افزایش داده‌اند. آنان اطمینان داده‌اند که طالبان با راهاندازی چنین حملاتی موفق نمی‌شوند و نیروهای امنیتی توانایی تأمین امنیت کشور را دارند.

**اطلاعات روز:** مسئولان فرماندهی پولیس می‌گویند که برای بهبود وضعیت امنیتی، گارنیزون جدیدی ایجاد و اعضای آن توسط رییس جمهور انتخاب می‌شوند. عبدالرحمان رحیمی، فرماندهی پولیس کابل دیروز به خبرگزاری رویترز گفت که این گارنیزون برای هم‌آهنگی میان نیروهای امنیتی و دفع حملات طالبان در کابل ایجاد می‌شود. در حکومت‌های پیشین نیز گارنیزون در کابل وجود داشته است. به گفته‌ی فرماندهی پولیس کابل، موجودیت گارنیزون در زمان حکومت‌های سابق، به‌ویژه حکومت تحت حمایت شوروی، برای بهبود امنیت مفید واقع شده بود. طرح ایجاد گارنیزون جدید چندی پیش از سوی رییس جمهور اشرف غنی مطرح شد. هنوز به‌طور دقیق معلوم نیست که این گارنیزون چه زمانی ایجاد می‌شود؛ اما رحیمی می‌گوید، گارنیزون یا مرکز کنترل جدید کابل در موقع هرگونه حمله، صلاحیت فرماندهی و هم‌آهنگی میان نیروهای

## سازمان «سیا» بازداشت و کشتار رهبران شورشیان را غیر مؤثر می‌داند

عملیات با اهداف دارای ارزش زیاد علیه گروه «راه درخشان» در پیرو سخن به میان آورده است که مؤسس و رهبر ارشدش در سال ۱۹۹۲ دستگیر شد. در گزارش گفته شده که «بقایای» گروه راه درخشان» از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ به این سو کوشیدند تا دوباره خود را جمع‌وجور کنند، اما قادر نشدند بر عقب‌گردهای‌شان غلبه کنند؛ زیرا این جنبش در اطراف کیش شخصیت (رهبرش) تشکیل شده بود. اما این گزارش دستگاه استخبارات مرکزی امریکا، سی‌آی‌آی، یک لیست تأثیرات منفی بالقوه‌ی این شیوه را بر شمرده است که شامل «افزایش حمایت از شورشیان و مانع شدن از این که حکومت سایر وجوه استراتژی ضدشورش‌گری را ببیند و تحریک شورشیان به این که استراتژی و سازمان را به ترتیبی دگرگون کنند که به سود شورشیان باشد».

بنابراین، از جمله‌ی خطرات بالقوه‌ی این عملیات، «حمایت توده‌ای از گروه مسلح در بین مردم، به تدریج گراییدن رهبران باقی‌مانده‌ی گروه شورشی و ایجاد خلایبی می‌باشد که گروه‌های بسیار تندروتر در آن می‌توانند داخل شوند». ویکی‌لیکس در سال ۲۰۱۰ شروع به نشر ۲۵۰ هزار اسناد دیپلماتیک امریکا و ۵۰۰ هزار سند و گزارش محرمانه اردوی امریکا نمود که این‌ها دیپلماسی و جنگ ایالات متحده در جنگ‌های عراق و افغانستان را پوشش می‌دادند. (دویچه وله)

اهداف دارای ارزش زیاد را پیچیده می‌کنند. اما گفته شده است که این تاکتیک‌ها در مجبور ساختن اسامه بن لادن به مخفی شدن موفق بوده است. در نتیجه‌ی آن، او کمتر برآمدهای کلیدی داشت، «به‌شمول این که به تکنالوژی مخابراتی غیرپیشرفته متکی بود، برای ملاقات با زیردستانش بی‌میل بود و به رهبری آن از فاصله‌ی دور و در حالت اختفا قناعت می‌کرد». در این گزارش آمده است که تمایل برخی گروه‌های شورشی برای انجام دادن حملات، دلالت بر آن می‌کند که هدف قرار دادن لوژستیک و منابع مالی آن‌ها «در برخی شرایط می‌تواند مؤثرتر از هدف قرار دادن ساختار رهبری گروه باشد». در مبارزه علیه القاعده در عراق، عملیات با اهداف دارای ارزش زیاد، تنها یک‌جا با «با اقدامات وسیع‌تر ائتلاف و سنی‌های عراقی، مانند تلاش‌ها برای قطع ارتباط القاعده عراق با پایگاه حمایتی‌اش» به‌کار گرفته می‌شد.

عملیات با اهداف دارای ارزش زیاد، در تضعیف شورشیان از طریق کاهش اراده‌ی شورشیان، متفرق ساختن گروه آن‌ها یا تقویت روحیات حکومت و جلب حمایت برای آن مؤثر بود. در این سند گفته می‌شود که «عملیات با اهداف دارای ارزش زیاد وقتی می‌تواند نقش مفید بازی کند که بخشی از یک استراتژی وسیع‌تر ضدشورش‌گری باشد».

این گزارش که شرح موفقیت‌ها و شکست‌های این شیوه را در چندین گروه در سرتاسر جهان بیان می‌دارد، از «استفاده‌ی قاطعانه‌ی»

روز پنج‌شنبه در یک گزارش استخبارات ایالات متحده‌ی امریکا که به بیرون درز کرده، آمده است که دستگیری و کشتن رهبران شورشیان تأثیر معکوس دارد. از این گزارش نقل قول شده است که نتایج آن به‌طور خاص در افغانستان «محدود» است. این گزارش مربوط به جولای ۲۰۰۹ که توسط ویکی‌لیکس انتشار یافته است، به دیدگاه‌های جانب‌داران و مخالفان در مورد عملیات «اهداف دارای ارزش زیاد» می‌پردازد که «علیه افراد یا شبکه‌های خاصی» به‌راه انداخته می‌شوند.

این گزارش ۱۸ صفحه‌ای در دوران کار ریاست لیون پنیتا بر دستگاه استخبارات مرکزی امریکا یا سی‌آی‌آی تدوین شده است. گزارش فقط چند ماه پیش از «افزایش» شمار سربازان ایالات متحده‌ی امریکا در افغانستان به دستور رییس جمهور باراک اوباما تهیه شده است که هدف آن عقب‌زدن شورشگری طالبان، شکست دادن القاعده و تسریع پایان جنگ بود.

این گزارش کمک این برنامه را به موفقیت‌های ضدشورش‌گری در کشور محدود توصیف کرده است. در گزارش گفته شده است: «طالبان قابلیت کلی زیادی برای تعویض رهبران از دست رفته‌ی‌شان دارند. نفوذ محدود حکومت در بیرون از کابل، هم‌آهنگی تلاش‌ها برای اهداف دارای ارزش زیاد را با مشکل مواجه می‌سازد». هم‌چنان در نتیجه‌گیری گزارش آمده است که پناه‌گاه‌های رهبران طالبان در پاکستان نیز «تلاش برای

برای فعال ساختن:  
در صفحه پیام 3G نوشته و به ۱۵۲ ارسال نمائید

با افغان بیسیم سرعت واقعی 3G را تجربه نمائید  
Experience the true speed 3.75G+

۰۷۰۰ ۸۳۰ ۸۳۰  
یا ۱۵۲  
www.afghan-wireless.com

افغان بیسیم  
AFGHAN WIRELESS